



معاونت فرهنگی و اجتماعی
دانشگاه ولی عصر (عج)
رفسنجان

پاسخ حقوق

۵

شماره

دی ۱۴۰۱



در این شماره میخوانید

۲	جرایم در ارزشهای دیجیتال
۲	کریپتوچیننگ چیست؟
۳	فیشینگ چیست؟
	حجت بنی اسدی
۳	تصرف عدوانی چیست؟
	مأئده رضوی نژاد
	# تعاریف
۴	اقسام رهن
۵	اقسام مهریه/سفته/صلح
	فاطمه رضایی
۶	حقوق تجارت
۸	انواع عقود اسلامی
۹	انواع وکالت در دادگاه
۱۰	انواع حکم قرار/انواع وقت رسیدگی
	فاطمه رضایی
۱۱	شرط تنصیف
	پریسا دهقانی
۱۱	یک دادخواست حقوقی چگونه تنظیم می شود
	فاطمه رضایی
۱۳	عقد بیع
	سارا غفاری
۱۴	تفاوت خيار شرط با شرط خيار / چک امانی
۱۵	نکات عقد صلح
۱۶	شرایط اساسی برای اجرای احکام دادگاه های دادگستری / آثار ریاست مرد در خانواده / نکات مهم نفقه زوجه
۱۷	اگر صاحب چک فوت کند تکلیف چیست؟ / وظایف قاضی اجرای احکام در قانون آیین دادرسی کیفری
	مأئده رضوی نژاد
۱۸	مجازات توهین و افتراء در فضای مجازی
	پریسا دهقانی
۱۹	هدایای دوران نامزدی
	مأئده رضوی نژاد
۲۰	سقف مهریه
	پریسا دهقانی
۲۲	خبر حقوقی
	سارا ایزدی
۲۳	زن چه اموالی را به ارث می برد؟
	مأئده رضوی نژاد
۲۴	دانستنی های حقوقی
	مأئده رضوی نژاد و فاطمه رضایی
۲۶	اهمیت آشنایی با زبان بدن برای حقوقدانان
	حجت بنی اسدی
۲۳	مقایسه ای بین قانون مالک و مستاجر مصوب سال ۷۶ و ۵۶
	مأئده رضوی نژاد

پیام حقوق

گاهنامه انجمن علمی معارف اسلامی و حقوق

شماره پنجم - دی ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: انجمن علمی معارف اسلامی و حقوق

مدیر مسئول: مریم اعظم پور

سردبیر: سارا ایزدی

هیئت تحریریه: مأئده رضوی نژاد
حجت بنی اسدی، فاطمه رضایی، سارا ایزدی
پریسا دهقانی، سارا غفاری

طراحی صفحات: فرزانه قربانی

جرایم در ارز های دیجیتال

نویسنده **حجت بنی اسدی**



جرایم مرتبط با ارزهای دیجیتال در کشور ما هم به چشم می‌خورند و هر از گاهی اخبار جدیدی از کلاهبرداری‌های این حوزه می‌شنویم. البته این مسئله تا حدودی طبیعی است؛ چراکه محبوبیت ارزهای دیجیتال در ایران در حال افزایش است و همگام با آن، کلاهبرداری‌های این حوزه نیز بیشتر می‌شوند.

توکن‌های جعلی و بی‌ارزش، طرح‌های پانزی و هرمی، کلاهبرداری‌های صرافی‌ها، قاچاق دستگاه‌های ماینر و حملات فیشینگ در قالب ارزهای دیجیتال، همه و همه مواردی هستند که با آنها برخورد داشته‌ایم و انتشار اخبار آنها بازتاب گسترده‌ای در سطح جامعه داشته است.

یکی از انواع کلاهبرداری‌های ارزهای دیجیتال که کاربران ایرانی بسیاری را به خود جلب کرده و به ازدست‌رفتن سرمایه آنها منجر شده، طرح‌های پانزی و هرمی هستند. طرح هرمی به هر پروژه‌ای گفته می‌شود که کاربران برای مشارکت در آن، ملزم به پرداخت مقدار مشخصی از سرمایه و سپس جذب تعداد مشخصی از زیرمجموعه‌ها باشند.

طرح‌های هرمی در ایران سابقه‌ای دیرینه دارند و محدود به ارزهای دیجیتال نیستند. احتمالاً هنوز هم شناخته‌شده‌ترین طرح هرمی در بین ایرانی‌ها «گولد کوئست» است که بسیاری از افراد در آن مشارکت کردند و سرمایه خود را از دست دادند. همین طرح‌ها در دنیای ارزهای دیجیتال هم وجود دارند و تنها تفاوت آنها این است که به جای پول فیات، از کاربران خود ارز دیجیتال دریافت می‌کنند. می‌دانید که صرافی‌های ارز دیجیتال به صورت آنلاین هستند و برای استفاده از

آنها، نیازی به مراجعه حضوری نیست. از طرفی، کار آنها با ارزهای دیجیتال است که به خاطر ماهیتی که دارند، پیگیری آنها دشوارتر از ارزهای فیات است. از این رو، این امکان وجود دارد که صاحبان صرافی‌ها پس از خروج از کشور، دارایی‌های دیجیتال کاربران را نیز خارج کرده و برای همیشه متواری شوند. انتقال ارزهای دیجیتال به کیف پول‌ها همچنین از ارزهای شما در برابر هک‌ها و حملاتی که ممکن است به این صرافی‌ها انجام شود جلوگیری می‌کنند. باز هم به دلیل ماهیت آنلاین صرافی‌ها و حجم بالای سرمایه‌ای که در آنها رد و بدل می‌شود، این وبسایت‌ها معمولاً هدف حمله هکرها و سارقان اینترنتی قرار می‌گیرند. با خارج کردن سرمایه خود از صرافی‌ها، از آن در برابر چنین حملاتی محافظت می‌کنید. در این رابطه باید گفت تمامی جرایمی که در حوزه ی رمزارزها به وقوع می‌پیوندند قابل پیگیری و شکایت هستند. جرایمی از قبیل:

کلاهبرداری ارز دیجیتال

ربات‌های تلگرامی جعلی و هکر

فروش توکن‌ها و رمزارزهای بی ارزش

هک کیف پول

سرقت اطلاعات

فیشینگ

استخراج غیرقانونی

کیف پول تقلبی

کریپتوجکینگ

کریپتوجکینگ چیست؟

(cryptojacking) کریپتوجکینگ نوعی جرم در فضای بازار رمزارزها است که در واقع قدرت پردازش کامپیوترهای دیگر را به سرقت می‌برد. در این حمله احتمالاً فرد قربانی به نحوی به هکر یا مجرم اجازه دسترسی به این قدرت پردازش را داده است. برای مثال کلیک کردن روی یک لینک ناامن در ایمیل شخصی یا ورود به سایت‌های ناامن، می‌تواند یکی از این روش‌ها باشد. ماینر یا همان هکر از این طریق یک بدافزار (ویروس یا غیره) روی سیستم شما نصب می‌کند و از این طریق کامپیوترتان را تبدیل به یک نود استخراج می‌کند.

در واقع بیت کوین و برخی دیگر از رمزارزهای بر بستر بلاکچین، ارزهای دیجیتالی هستند که برای تولید و استخراج آنها می‌توان از قدرت پردازش کامپیوترها استفاده کرد. البته همه‌ی رمزارزها را نمی‌توان با قدرت هش کم دستگاه‌های خانگی استخراج کرد. برای مثال استخراج بیت کوین به دستگاه‌های ای‌سیک قدرتمند نیاز دارد. بنابراین در سال‌های اخیر، هکرها حملات کریپتوجکینگ را بیشتر برای استخراج رمزارزهایی مانند مونرو استفاده می‌کنند که می‌توان با دستگاه‌های سبک هم آن‌ها را استخراج کرد.



جرم فیشینگ، به جرمی گفته می شود که بر اساس آن، یک نفر، با استفاده از روش هایی مانند فرستادن پیامک یا ایمیل های جعلی و یا طراحی درگاه های پرداخت جعلی، اطلاعات شخصی دیگران، از جمله اطلاعات حساب بانکی شان را به دست بیاورد و اقدام به سرقت و کلاهبرداری اینترنتی، از حساب آن ها کند.

در رایج ترین نوع فیشینگ، فرد، یک صفحه یا وبگاه جعلی که اغلب، شبیه وبگاه های معروف و معتبر هستند، می سازد و بدین ترتیب، در مواردی که قربانیان، با تبلیغات جعلی، ایمیل یا پیامک های جعلی، فریب خورده و با وارد شدن به صفحه، اقدام به وارد کردن اطلاعات و یا پرداخت می نمایند، اطلاعات آن ها، من جمله، اطلاعات حساب بانکی آن ها را به دست می آورد.

پس از دسترسی به اطلاعات، مرتکب، از حساب شخص قربانی، سرقت کرده یا با اطلاعات او، اقدام به کلاهبرداری می کند، به این روند فیشینگ گفته می شود که در قانون جرایم رایانه ای، جرم انگاری شده و برای آن، مجازات در نظر گرفته شده است که در ادامه، خواهیم گفت حکم مجازات فیشینگ چیست.

مجازات فیشینگ

وقتی کسی اقدام به فیشینگ می کند، مرتکب جرائم متعددی می شود که در نهایت قاضی، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم و مجرم، اقدام به تعیین مجازات می نماید. با این وجود، می توان از مواد ۱۲ و ۱۳ قانون جرائم رایانه ای، حکم جرم فیشینگ را استخراج کرد و به این پرسش که حکم مجازات فیشینگ چیست، پاسخ داد.

ماده ۱۲ قانون جرایم رایانه ای مقرر می دارد:

” هر کس به طور غیر مجاز، داده های متعلق به دیگری را برآید، چنانچه عین داده ها در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال و در غیر این صورت به حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات، محکوم خواهد شد“

ماده ۱۳ قانون جرایم رایانه ای مقرر می دارد:

” هر کس به طور غیر مجاز، از سیستم های رایانه ای یا مخابراتی، با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده ها یا مختل کردن سیستم، وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر رد مال به صاحب آن، به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات، محکوم خواهد شد.“

بر اساس دو ماده فوق، در پاسخ به این پرسش که حکم مجازات فیشینگ چیست؟ باید گفت، حبس یا جزای نقدی و یا هر دو مورد، حکم جرم فیشینگ است و میزان آن، بستگی به جرم ارتكابی فرد و میزان مالی که برده، خواهد داشت.



تصرف که از آن به ید تعبیر می شود عبارت است از سلطه و اقتداری که شخص بطور مستقیم یا با واسطه غیر، بر مالی دارد. تصرف عدوانی عبارت است از اینکه مالی از تصرف مالک آن، بدون مجوز قانونی و بدون رضایت مالک خارج شود. به عبارت دیگر تصرف عدوانی زمانی است که مال غیرمنقول، بدون رضایت مالک آن از طرف کسی تصرف شود. این دعوی اختصاص به اموال غیرمنقول دارد. دعوی تصرف عدوانی با جمع بودن شرایط می تواند ماهیت کیفری نیز داشته باشد.

ارکان دعوی

سبق تصرف خواهان
لحوق تصرف خوانده
عدوانی بودن تصرف خوانده
مطابق قانون در مورد این دعوی محکمه داخل رسیدگی در باب نحوه تصرف مدعی و اسناد راجع به آن نمی شود و فقط در عدوانی بودن تصرف تحقیقات نموده و چنانچه سبق تصرف مدعی و لحوق تصرف مدعی علیه معلوم شود مورد نظر قرار دادن نحوه تصرف و ورود به ماهیت دعوا برای دادگاه تخلف می باشد. وجود سند مالکیت در دعوی تصرف عدوانی اماره سبق تصرف است که آنهم تاب مقاومت در مقابل دلایل مخالف را ندارد. در این دعوی موضوع رسیدگی شناسایی مالک نیست و هدف حمایت از متصرف است و اگر به اسناد و دلایل مالکیت نیز اتکا می شود تنها به همین منظر است.

تعاریف اقسام رهن ف

نویسنده **فاطمه رضایی**

رهن تصرف

(فقه-مدنی) عقد رهنی که مال مورد رهن بعد از اقباض به مرتهن در تصرف مرتهن بماند و او از منافع آن بهره مند گردد.

رهن قراردادی

(مدنی) عقد رهن را گویند. (رک. رهن) در مقابل رهن قضایی بکار می رود. (رک رهن قضایی)

رهن قضایی

(دادرسی مدنی) صنعت مالی از اموال محکوم علیه یا مدعی علیه که به موجب قرار تامین دادگاه توقیف می شود. یعنی مالی که از جهت قضایی در قید است و طلق نیست. در گروگان و در قید چیزی بودن از مفاهیم لغت رهن است، چنان که در حدیث آمده است: « سنگ غصبی که در ساختمان غاصب بکار برده شده، ید و گروگان برای تخریب آن ساختمان به منظور ردّ سنگ به صاحب آن است. » لغت رهن در رهن قضایی محمول بر مفهوم وثیقه هم می تواند باشد.

رهن مستعار

(فقه-مدنی-ثبت) عاریه گرفتن ملک غیر و به رهن نهادن آن به نفع عاریه گیرنده، موجب پیدایش رهن مستعاری می شود. امروزه برای این کار عنوان عاریه را به میان نمی آورند، بلکه داین و مدیون و ثالث (که ملک او وثیقه مال مدیون می شود) از طریق ماده ۱۰ قانون مدنی توافق می کنند. از ماده ۷۵۴ قانون مدنی هم می توان همین استفاده را کرد.

رهن قطعی

سند رسمی شامل معامله ناقل

عینی را گویند. در مقابل سند بیع شرط، رهن و معاملات با حق استرداد استعمال شده است.

رهن دین و منفعت

برابر صریح ماده ۷۷۴ ق.م.، رهن دین و منفعت باطل است. قانون مدنی فقط رهن عین معین را تجویز کرده است.

رهن مضاف

هرگاه بعد از عقد رهن بدون گرفتن وام جدید، رهن یکی از اموال خود را به همان مرتهن ضمن عقد دیگری به رهن بدهد، رهن دوم را رهن مضاف نامیده اند. سند رهن دوم را در رهن مضاف « سند متمم » می نامند.

رهن مکرر

هرگاه مالی، موضوع عقد رهن واقع شود، قبل از فک آن، مالک رهنینه آن را ذهن دین دیگر به رهن بدهد، رهن بعد از رهن اول را رهن مکرر می نامند. خواه مرتهن در رهن مکرر همان مرتهن در رهن نخستین باشد، خواه شخص ثالث. رهن مکرر دو قسم است: اول- رهن در رهن مکرر تصریح به عقد رهن اول کرده و با حفظ حقوق او اقدام به رهن دوم می کند. مقصود از حفظ حقوق اینست که طرفین رهن مکرر قبول می کنند که نخست طلب مرتهن اول از محل وثیقه وصول شود و اگر مازاد بماند، از آن محل، حقوق مرتهن دوم استیفاء شود. این مازاد را مازاد احتمالی نامند.

دوم- رهن اطلاعی از رهن اول به مرتهن دوم ندهد. در این صورت مرتهن دوم به خیال این که مالک بلامانعی را به رهن می گیرد، اقدام به عقد رهن می کند در این صورت خیار عیب دارد

(ماده ۴۵۶ ق.م.) باید دانست که رهن در مواقع اقدام به رهن دوم نیازی به کسب اذن از مرتهن اول ندارد. چون رهن دوم معارض حقوق مرتهن اول نبوده و به موجب ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت حقوق او محفوظ است.

موافقتی که دفاتر اسناد رسمی قبل از تنظیم سند رهن دوم از مرتهن اول معمولاً اخذ می کنند به این دلیل است که، چون قبض در رهن شرط تحقق آن است و با رهن اول در واقع مال مزبور در قبض مرتهن اول قرار گرفته، و مال دیگری را نمی توان بدون اجازه صاحب حق به تصرف دیگری داد. لذا موافقت مرتهن اول از این بابت ضروری است.

(مدنی-ثبت) هرگاه رهن که مال خود را به رهن نهاده، برای بار دیگر (بار دوم یا سوم یا چهارم یا غیره) نزد همان مرتهن یا شخص ثالثی به رهن بگذارد، این رهن را رهن مکرر نامند. (ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت) هرگاه مبیع شرطی از طرف بایع به استناد ماده مذکور برای دفعه یا دفعات بعد به وثیقه نهاده شود این بیع بعدی را می توان بیع شرط مکرر نامید و همین امر است که از تاریخ وضع ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت بیع شرط را از صورت بیع ناقل مالک خارج کرده است.



تعاریف صلح ف

صلح به هر توافقی میگویند که در ذیل عقود دیگر مانند بیع، اجاره، تقسیم ارث و غیره نباشد. بلکه تنها توافقی است بین توافق کنندگان صلح عمری: صلحی است که به طول عمر شخص مربوط است. به این شکل که در طول حیات او، مالکیت دارایی های مورد صلح برای اوست و می تواند از آن بهره مند شود و پس از آن به شخصی که با او صلح میرسد.

صلح عمری قرار دادیست که بسیار میتواند منقطع باشد و مسائل متعددی را در خود جای دهد که طبق توافق اشخاص متفاوت است. برای مثال، مالک میتواند زمانی را در قرار داد صلح ذکر کند که امکان پس گرفتن قرار داد را داشته باشد و طبق خواست خودش میتواند برای این امر مهلت مشخصی طرح کند یا آن را تا پایان عمر خود قرار دهد. همچنین مورد صلح عمری هم میتواند از اموال منقول و هم از اموال غیر منقول باشد و از این حیث محدودیتی در نوع مال صلح شده وجود ندارد. در قرارداد صلحنامه، به کسی که مال خود را صلح میکند، مصالح و به کسی که مال صلحشده را دریافت میکند، متصالح میگویند. از شرایط مهم صلح عمرا این است که طرفین صلح عاقل و بالغ باشند و همچنین هر دو طرف به انجام صلح راضی باشند.

تفاوت صلح عمری و وصیت:

بسیاری از افراد برای اینکه میراثشان چگونه که مورد نظر خودشان است، بین وراثت تقسیم شود، پیش از مرگ خود به دنبال راه هایی میگردند. برخی افراد سراغ تنظیم کردن وصیت نامه میروند، اما از آنجایی که تقسیم ارث در اسلام دارای قوانین و احکام

تعاریف سفته ف

سفته سندی تجاری است که براساس آن شخصی که آن را صادر می کند متعهد می شود که مبلغ معینی را در زمان معین یا عندالمطالبه به دیگری (گیرنده سفته بپردازد).

کاربرد سفته

وسیله پرداخت کالا برای معاملات غیرنقدی.

سند پرداخت دین

بانک ها برای تضمین پرداخت وام از وام گیرنده، سفته می گیرند.

شرکت ها گاه از کارگران یا پیمانکارها برای تضمین انجام تعهد سفته می گیرند.

مجازات سفته

سفته در حقوق ایران ماهیت مدنی دارد و از بحث کیفری خارج است و صادرکننده مسئولیت کیفری ندارد. برای مطالبه وجه سفته در صورتی که دارنده سفته بخواهد بدو توقیف اموال صادرکننده را دریافت کننده مستلزم وخواست می باشد و باید سفته را از طریق بانک وخواست کند تا بتواند بدو توقیف اموال یا تأمین خواسته بگیرد در غیر اینصورت باید به عنوان سند عادی درخواست مطالبه وجه انجام شود و پس از دریافت حکم قطعی در مرحله اجرا توقیف مال انجام شود.



تعاریف اقسام مهریه ف

مهر المسمی:

مهری است که در عقد نکاح تعیین شده یا تعیین آن به عهده شخص ثالثی گذارده شده است.

مهر المثل:

مهری است که در نکاح مفوضه البضع به حسب شرافت و اوضاع و احوال زوجه به او داده می شود. (ماده ۱۰۹۱ ق.م)

مهر السنه:

مقدار آن ۲۶۲/۵ مثقال پول نقره مس کوک است.

مهر المتعه:

مهری است که در نکاح مفوضه البضع شوهر به زن مطلقه خود برای تعیین این مهر برخلاف مهر المثل مهر و از حیث غنا و فقر ملاحظه می شود.

مفوضه البضع:

زوجه را در عقد نکاحی که دائم بوده و مهر ذکر نشده باشد یا شرط عدم مهر شده باشد.

مفوضه المهر:

زوجه را در نکاح دایم (که تعیین مقدار مهر را به اختیار شوهر یا زوجه یا ثالث گذاشته باشند).

نکات مهم

ممکن است مهر حال یا مدت دار باشد، اگر حال باشد زوجه می تواند بلافاصله بعد از عقد آن را مطالبه کند و تا وصول آن از تمکین نیز امتناع نماید.

ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مقرر داشته به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن انجام دهد.



حقوق - تجارت

نویسنده: فاطمه رضایی

تفاوت های چک و سفته

قسمت اول

● چک جنبه کیفری دارد ولی سفته حقوقی است. به این معنا که صدور چک بلامحل در شرایطی جرم است ولی عدم پرداخت سفته در سررسید مطلقاً جرم نیست. البته طرح دعوای سفته در دادگاه حقوقی در نهایت منجر به حکم جلب صادر کننده سفته می شود ولی این حکم جلب و بازداشت بدهکار، سوء پیشینه کیفری برای او محسوب نمی شود و آثار حکم کیفری چک را ندارد.

● چک بدون اخذ گواهی عدم پرداخت از بانک (واخواست) و بدون برگشت زدن، قابل طرح دعوا و مطالبه در دادگاه نیست. یعنی با چک خالی نمی توان طرح دعوا کرد و حتماً باید گواهی عدم پرداخت چک هم ضمیمه دادخواست باشد ولی سفته بدون واخواست کردن آن نیز در دادگاه قابل مطالبه است.

● صدور گواهی عدم پرداخت چک در حکم واخواست چک است و رایگان انجام می شود. یعنی بانک برای صدور گواهی عدم پرداخت چک هزینه ای نمی گیرد ولی واخواست سفته (اعتراض عدم پرداخت سفته) هزینه زیاد دارد و ۲ درصد مبلغ سفته را باید بابت واخواست سفته بپردازید.

● گرفتن دسته چک از بانک هزینه ای ندارد و مالیات قابل توجه ای به آن تعلق نمی گیرد ولی گرفتن سفته خصوصاً مبالغ بالا و تعداد زیاد، هزینه دارد و بر اساس مبلغ چاپ شده در سفته مالیات اخذ می شود.

● با استناد به چک و گواهی عدم پرداخت آن می توانید بدون واريز خسارت احتمالی به صندوق دادگستری، اموال بدهکار را توقیف کنید ولی در مورد

نخواهند برد. اما با وجود قرارداد صلح عمری، با مرگ متصالح، منافع قرارداد به وراثت او منتقل میشود. در نتیجه چنانچه والدی مالی را به نام فرزندش صلح عمری کند، با مرگ فرزند، برخلاف روند تقسیم ارث، مال به نوه های او خواهد رسید.

۵- با صلح عمری به هیچ وجه تا پیش از زمان فوت مصالح، مال الصلح جزو اموال متصالح محسوب نمیشود و به هیچ وجه اجازهی استفاده از آن را ندارد و حتی هیچ مرجع قانونیای نمی تواند آن را توقیف نماید.

مشخصی است، با تنظیم وصیت نامه، فرد تنها اختیار در تعیین تکلیف کردن یک سوم از دارایی خود را دارد و چنانچه مالی از او، بیش از یک سوم داراییاش باشد، جزو وصیت محسوب نشده و در تقسیم و مالکیت آن پیچیدگی هایی به وجود می آید. اما با استفاده از صلح عمری مالک با هر شخصی که بخواهد میتواند صلح کند و پس از مرگ خود، مال مورد نظر را به مالکیت او در آورد. صلح عمری برای بسیاری از میراث گذاران، بهترین راه حل برای تقسیم اموالشان طبق خواسته ی خودشان است.

فواید صلح عمری :

صلح عمری، به غیر از این که امکان تقسیم اموال را به پیش از مرگ به افراد میدهد. فواید دیگری نیز دارد که پیرامون آنها توضیح میدهم:

۱- نخست اینکه با صلح عمری می توان مالی را به شخص دیگری منتقل، اما منافع آن را حفظ کرد. به این صورت که مال الصلح به نام شخص دیگر در می آید اما منافع آن و حق استفاده از آن تا پایان عمر نزد صاحبش (مصالح) باقی می ماند.

۲- کسی که با دیگری بر سر اموالش صلح میکند، میتواند تا پایان عمرش و یا تا موعد معلوم، صلح خود را پس بگیرد و قرارداد صلح را باطل کند.

۳- برخلاف گفته های کلامی و حتی وصیت نامه که پس از مرگ شخص، دربارهی صحت و اصالت آن بسیار شک میشود و موجب دردسرها و درگیری بین وراثت میگردد، صلح عمرای دارای سندی رسمی است که در دفاتر ثبت اسناد ثبت شده و به هیچ وجه قابل تشکیک نخواهد بود.

۴- در بسیاری از موارد دیده شده است که فرزندی زودتر والدین خود فوت می کند و به همین دلیل قانون فرزندان او ارثیه هایی از پدر بزرگ خود



که قاضی با اماره قضایی نمی تواند پرونده اجرایی را مختومه نماید.

قسمت دوم

● حکم کیفری منع از اصدار اسناد تجارتي شامل چک و سفته می شود ولی در مورد چک مستلزم ابطال برگه های چک است و در مورد سفته ابطال برگه های سفته پیش بینی نشده است. فلذا این نگرانی در مورد چک وجود دارد که چک های سفید موجود در دست صادرکننده به موجب حکم کیفری باطل شده باشد.

● آدرس مکان وخواست چک (بانک صادر کننده گواهی عدم پرداخت) برای دادگاه آن مکان ایجاد صلاحیت محلی می کند در حالی که آدرس مکان وخواست سفته برای دادگاه آن مکان ایجاد صلاحیت نمی کند. مثلاً

اگر چک را در بانک خیابان بهشت تهران برگشت بزنید، در دادگاه مربوط به منطقه ۱۱ تهران می توانید طرح دعوا کنید ولی وخواست سفته در خیابان بهشت (ساختمان روزنامه رسمی) موجب ایجاد صلاحیت برای دادگاه منطقه ۱۱ تهران نمی شود.

● چک وسیله پرداخت است به همین خاطر ممکن است شما با کشیدن چک به کسی پول قرض دهید ولی سفته وسیله پرداخت نیست به همین خاطر با سفته نمی توان به کسی پول قرض داد. یقیناً صادر کننده سفته قرض گیرنده است ولی ممکن است صادر کننده چک قرض دهنده باشد!!

● جدایی رابطه بین سفته و قرارداد بیشتر از جدایی رابطه چک و قرارداد قابل تصور است. به این معنی که وقتی بابت ثمن قرارداد چک می گیرید، این امر مانع از طرح دعوای مطالبه ثمن علیه خریدار بر اساس خود قرارداد نیست چرا که چک صرفاً وسیله پرداخت است. ولی وقتی بابت ثمن قرارداد سفته بگیرید، ممکن است دیگر نتوانید بر اساس خود

● مهلت وخواست در چک جهت استفاده از مزایای تجاری آن، ظرف ۱۵ روز از تاریخ سررسید است ولی در مورد سفته، ظرف ۱۰ روز از تاریخ سررسید است.

● شناسایی هویت و آدرس و تلفن صادر کننده چک آسان تر از صادر کننده سفته است.

● امضای ظهر (پشت) چک به معنای ظهر نویسی ولی امضای ظهر سفته معمولاً به معنای ضمانت تلقی می شود.

● چک در زمان صدور و یا سررسید باید دارای محل در بانک محال علیه باشد ولی محل در مورد سفته مصداق و معنا ندارد.

● در رویه فعلی اگر در دادگاه اثبات شود تاریخ مندرج در روی چک، تاریخ صدور نیست و تاریخ صدور واقعی چک هم مشخص نگردد، اشکالی برای چک ایجاد نمی شود ولی اگر تاریخ صدور سفته مشخص نباشد، سفته محسوب نمی شود و حکم رسید در کاغذ عادی را دارد و می توان به این امر در دادگاه ایراد نمود و مثلاً توقیف اموال بدهکار بدون پرداخت خسارت احتمالی را آزاد کرد.

● صادر کننده چک می تواند در مورد گم شدن و مفقودی چک خود شکایت کند ولی شکایت مفقودی و گم شدن سفته توسط صادر کننده سفته متصور نیست و در قانون پیش بینی نشده است.

● وجود اصل چک در تصرف صادر کننده، اماره قانونی پرداخت وجه چک است ولی وجود اصل سفته در تصرف صادر کننده، اماره قضایی پرداخت وجه سفته است. به همین خاطر اگر بعد از صدور حکم قطعی محکومیت و تشکیل پرونده اجرایی، صادر کننده چک اصل لاشه ی چک ها را به دادگاه ارائه دهد، پرونده اجرایی چک مختومه می شود ولی اگر صادر کننده سفته اصل لاشه ی سفته ها را به دادگاه ارائه نماید، پرونده اجرایی سفته مختومه نمی شود چرا

سفته حتماً باید آن را وخواست کنید تا بتوانید از این مزیت استفاده نمایید.

● امضای چک قابل انکار نیست ولی امضای سفته قابل انکار است. به این توضیح که صادر کننده چک نمی تواند بگوید که امضای روی چک امضای من نیست و یا حداقل باید برای انکار خود دلیل موجه بیاورد و عدم انتساب امضای چک به خود را با شکایت کیفری سرقت و جعل و یا مفقودی و جعل و یا خیانت در امانت و جعل اثبات نماید. ولی صادر کننده سفته می تواند بگوید امضای من نیست و هیچ دلیلی هم بر انکار خود لازم نیست ارائه نماید.

● اگر چک را مدیر عامل شرکت یا نماینده صاحب حساب امضاء کند، طبق ماده ۱۹ قانون صدور چک، خود مدیر عامل و نماینده با صاحب حساب چک متضامناً مسئول پرداخت وجه چک هستند ولی اگر مدیر عامل شرکت سفته را امضاء کند، خودش مسئول نیست و فقط شرکت مسئول پرداخت وجه سفته است. چون در مورد چک قانون خاص داریم.

● صدور چک در وجه خود صادر کننده ممکن است ولی صدور سفته در وجه خود صادر کننده صحیح نیست.

● گرفتن دسته چک محدودیت قانونی و تشریفات دارد ولی تهیه سفته بدون محدودیت و آسان است.

● درج مبلغ در سفته اصولاً محدود به مبلغ چاپ شده در سفته است ولی درج مبلغ در چک نامحدود است.

● خسارت تاخیر تادیه در چک به دلیل مصوبه خاص مجمع تشخیص مصلحت نظام، یقیناً و حتماً از تاریخ سررسید چک محاسبه می شود ولی در سفته ممکن است تحت شرایطی از تاریخ مطالبه و یا طرح دعوا و یا طبق ماده ۳۰۴ و ۳۰۹ قانون تجارت، از تاریخ وخواست سفته محاسبه شود.

انواع عقود اسلامی

نویسنده **فاطمه رضایی**

عقود اسلامی در اسلام به قالب‌های تعیین شده برای روابط حقوقی افراد می‌پردازد. گرچه برخی فقها قرار داد میان افراد را منحصر به همین موارد دانسته‌اند، اما اکثریت فقها معتقدند که خارج از این چهارچوب نیز افراد می‌توانند به انعقاد قرار داد بپردازند. قانون مدنی ایران به تبعیت از دیدگاه دوم در ماده ۱۰ خود هر قراردادی را که مخالف صریح قانون نباشد معتبر دانسته‌است. بانک‌ها در بانکداری اسلامی به طور مجاز به مردم تسهیلات مالی اعطا می‌کنند و مردم به طور غیرمستقیم در سرمایه‌گذاری شرکت دارند. عقود یازده گانه اسلامی، اقتصاد را در اسلام شکل می‌دهند. این عقود عبارت‌اند از:

قرض الحسنه:

قراردادی است که در آن یکی از طرفین قرارداد مقدار معینی از مال خود را در زمان حال به دیگری واگذار می‌کند. در مقابل، قرض گیرنده، متعهد می‌شود که عین مال یا قیمت آن را در زمان معین باز پس دهد. یک طرف قرارداد می‌تواند بانک و طرف دیگر مشتری بانک باشد.

مضاربه:

قراردادی است که به موجب آن بانک سرمایه را تأمین می‌کند و طرف دیگر با آن به تجارت می‌پردازد و در نهایت سود حاصل از سرمایه بین بانک و طرف دیگر تقسیم می‌شود.

مشارکت مدنی:

قراردادی بازرگانی است که به موجب آن دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی از جمله بانک، سرمایه نقدی یا جنسی خود را به شکل مشاع و به منظور ایجاد سود در هم می‌آمیزند.

مشارکت حقوقی:

قراردادی است که طی آن بانک قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید را تأمین و یا قسمتی از سهام شرکت‌های موجود را خریداری می‌کند و از این طریق در سود آن‌ها شریک می‌شود.

فروش اقساطی:

بانک‌ها بنا به تقاضای کتبی مشتریان خود، ماشین آلات و تأسیساتی را که عمر مفید آن‌ها بیش از یک سال است، خریداری می‌کنند و به صورت قسطی به مشتریان می‌فروشند.

معاملات سلف:

بانک محصولات تولیدی آینده بنگاه‌ها را پیش خرید می‌کند. این قرارداد از ناحیه فروشنده پیش فروش یا قرارداد سلم نامیده می‌شود.

اجاره به شرط تملیک:

طبق این قرارداد، بانک مورد اجاره را تهیه کرده و در اختیار مشتری قرار می‌دهد و در صورتی که مستأجر به تعهدات خود عمل کرده و اقساط را تأدیه نماید، در پایان مدت اجاره، مالک عین مال مورد اجاره می‌شود.

جعاله:

طبق قرارداد، کارفرما تعهد می‌کند که در قبال عمل مشخص کارگزار یا عامل، اجرت معینی به او بپردازد.

قرارداد علیه خریدار طرح دعوا کنید و رابطه شما با خریدار منحصر و متمرکز به خود برگ سفته می‌شود و نتیجتاً به طور مثال نمی‌توانید قرارداد را به علت عدم پرداخت ثمن فسخ کنید.

● چک سند عادی لازم الاجراء است و علاوه بر دادگاه حقوقی و دادگاه کیفری، از طریق اداره اجرای اسناد اداره ثبت نیز قابل مطالبه است ولی سفته فقط از طریق دادگاه حقوقی قابل مطالبه و طرح دعوا است.

● انتقال و فروش اموال صادر کننده سفته (بدهکار) بعد از تاریخ سررسید سفته، موجب تحقق جرم فرار از ادای دین نیست ولی انتقال و فروش اموال صادر کننده چک (بدهکار) بعد از تاریخ سررسید چک، موجب تحقق جرم فرار از ادای دین است.



مزارعه:

این قرارداد، بانک زمین مشخصی را برای مدت معین در اختیار طرف دیگر قرار می‌دهد تا در آن کشاورزی کند. در نهایت سود حاصل بین طرفین تقسیم می‌شود.

مساقات:

قراردادی است میان صاحب باغ و دیگری که به ازای دریافت مقداری از محصول، کار نگهداری از باغ و برداشت را انجام می‌دهد.

خرید دین:

طبق این قرارداد، بانک‌ها می‌توانند اسناد و اوراق تجاری متعلق به واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی را تنزیل کنند.

انواع وکالت در دادگاه

نویسنده **فاطمه رضایی**

- وکالت اتفافی
- وکالت معاضدتی
- وکالت تسخیری

تعریف وکالت اتفافی: اشخاصی که اطلاعات حقوقی دارند می‌توانند با اجازه کانون وکلای برای بستگان خود انجام دهند بر اساس ماده دو "قانون وکالت مصوب سال ۱۳۱۵" اشخاصی که معلومات کافی برای وکالت داندولی پروانه وکالت ندارند می‌توانند در سال سه مرتبه با گرفتن جواز "وکالت اتفافی" از کانون برای خویشاوندان نسبی و سببی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت کنند.

تعریف وکالت معاضدتی: در صورتی که فرد تمکن مالی نداشته باشد می‌تواند از کانون وکلاد درخواست وکیل معاضدتی کند. کانون نیز پس از بررسی، شرایط متقاضی، وکیل معاضدتی به وی معرفی می‌کند. این نوع وکیل، مخصوص کسانی است که بضاعت و توان مالی کافی، برای گرفتن وکیل ندارند؛ چرا که وکیل معاضدتی حق دریافت هیچ وجهی تحت عناوین حق المشاوره، حق الوکاله و غیره را به استثنای هزینه تمبردادرسی از موکل خویش ندارد.

تعریف وکالت تسخیری: در جرائمی که مجازات آن به حسب قانون، قصاص، نفس، اعدام، رجم و حبس ابد است، چنانچه متهم شخصاً وکیل معرفی ننماید تعیین وکیل تسخیری برای او الزامی است مگر در خصوص جرایم منافی عفت که متهم از حضور یا معرفی وکیل امتناع ورزد. تبصره اخیرالذکر مبین الزام دادگاه در تعیین وکیل تسخیری در مواردی است که متهم، شخصاً وکیل معرفی نکرده باشد و آن در مورد جرائمی است که طبق قانون مجازات آن قصاص، نفس، اعدام، رجم و حبس ابد باشد.

انواع وکالت در دادگاه



انواع وقت رسیدگی

نویسنده فاطمه رضایی



انواع وقت رسیدگی:

- وقت عادی
- وقت خارج از نوبت
- وقت فوق العاده
- وقت احتیاطی

تعریف وقت عادی:

منظور از وقت عادی، وقتی است که با هدف رعایت عدالت به ترتیب دفتر اوقات دادگاه، روز و ساعت معینی برای رسیدگی، از قبیل تعیین و به اصحاب دعوا یا وکلای آنان ابلاغ می شود. تعیین وقت پیش بینی شده در ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی مدنی مصداقی برای وقت عادی است.

تعریف وقت خارج از نوبت:

منظور از وقت خارج از نوبت، وقتی است که از لحاظ زمانی مناسب تر از اوقات عادی است چرا که بدون توجه به ترتیب دفتر اوقات دادگاه تعیین می شود و بنابراین نزدیک تر از وقتی است که دفتر نشان می دهد، البته باید توجه داشت که هرچند خارج از نوبت نزدیک تر از وقت عادی است اما الزاما نزدیکترین وقت نمی باشد مگر در مواردی از قبیل ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی که نزدیکتر از وقت عادی الزاما نزدیک ترین وقت نیز می باشد. (نمونه ماده ۱۷۷)

تعریف وقت فوق العاده:

منظور از وقت فوق العاده، وقتی است که دادگاه خارج از اوقاتی که در دفتر مخصوص اوقات "چه به صورت عادی یا خارج از نوبت" تعیین می کند و علی الاصول بدون حضور طرفین نسبت به پرونده رسیدگی و اقدام به صدور رای می نماید. مواد ۱۱۵ تا ۱۲۰ مصادیقی برای وقت فوق العاده می باشد.

تعریف وقت احتیاطی:

منظور از وقت احتیاطی، وقتی است که با هدف عدم رکود رسیدگی برای وصول پاسخ استعلام یا انجام امری توسط طرفین و یا یکی از آن ها، به پرونده داده می شود. وقت احتیاطی یا وقت نظارت در قانون پیش بینی نشده است و این ضروریات عملی دادگاه هاست که سبب پیدایش آن گردیده است. هرچند، وقت احتیاطی در دفتر اوقات ثبت می شود اما با روشن شدن نتیجه اقدام، حتی اگر وقت نرسیده باشد می توان به طور فوق العاده رای را صادر کرد.

نکته

معمولا پس از صدور قرارهای کارشناسی، تحقیق و معاینه محل، مطالبه اسناد و... وقت احتیاطی تعیین می شود.

رای — دو نوع است:

- قرار
- حکم

خصوصیات حکم:

قدرت اثباتی دارد
قاعده رد فراغ دادرسی را در پی دارد
اعتبار امر مختومه دارد
قابلیت شکایت دارد
غیر قابل ابطال است
می تواند 'حضوری' یا غیر حضوری باشد

احکام رami توان به اقسام ذیل تقسیم کرد:

- حکم اعلامی و تاسیسی
- حکم نهایی و غیر نهایی
- حکم قطعی و غیر قطعی
- حکم حضوری و غیابی

انواع قرار:

قرار قاطع دعوا
قرار های اعدادی و مقدماتی
ناطه (کیفری)
قرارهای شبه دعوا

انواع قرارهای قاطع:

- سقوط دعوا
- رد دعوا
- عدم استماع دعوا
- ابطال دادخواست
- رد دادخواست

قرارهای اعدادی و مقدماتی:

- تحقیقات محلی
- کارشناسی
- اتیان سوگند
- تطبيق اسناد

قرارهای شبه دعوا:

عدم اهلیت یکی از طرفین
عدم صلاحیت دادگاه

برخی معتقدند نظر به اینکه شروط باطل و مبطل عقد در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی اشاره شده است و در میان آنها شرط مجهول وجود ندارد و تنها، شرط مجهولی که موجب جهل به عوضین شود (بند ۲ ماده ۲۳۳) مبطل عقد است لذا سایر شروط، هرچند مجهول باشند، به لحاظ فرعی بودن و عدم ضرورت علم تفصیلی مذکور در ماده ۲۱۶ قانون مدنی برای اعتبار شروط، باطل و مبطل نیستند برخی وکیل پایه یک دیگر نیز شرط مجهول را تنها در عقود معاوضی، به دلیل سرایت جهل به عوضین، باطل و مبطل عقد دانسته و در عقود غیر معاوضی (همچون نکاح موضوع بحث) صحیحی و غیرمبطل می‌دانند.

اما گروهی دیگر بر این باورند که هرچند شرط، جنبه فرعی و تبعی نسبت به عقد دارد، اما همانند عقد باید تمام شرایط اساسی صحت عقد موضوع ماده ۱۹۰ قانونی مدنی را دارا باشد، در غیر این صورت فاقد اعتبار قانونی است

پس شرط مجهول مانند عقد مجهول باطل است و از این جهت بین عقد و شرط ضمن عقد تفاوتی نیست. به گونه‌ای که صراحتاً شرط تنصیف را «ماده نزاعی در خانواده‌ها» معرفی کرده‌اند. در اکثر موارد شرط انتقال تا نصف دارایی به دلایل زیر اجرا نمی‌شود:

-عدم مطالبه زنان

-مشکلات اجرائی شرط انتقال تا نصف دارایی

-عدم اطلاع از دارایی زوج

-انصراف مردان از دعوای طلاق در صورت

مطالبه اجرای شرط انتقال تا نصف دارایی

از ناحیه زوج

نکته: اگر طرفین عقد یعنی زن و شوهر، این شرط را خط زده باشند یا به صراحت آن را رد نکرده باشند، مفاد این شرط بین طرفین الزام آور است.

تفاوتی که بین این حق مالی و حق مطالبه نفقه وجود دارد این است که در مطالبه نفقه زن تا زمانی می‌تواند نفقه خود را مطالبه کند که رای الزام به تمکین

عقد به دست آورده باشد. پس اگر مردی قبل از ازدواج اموالی داشته است مشمول این شرط نمی‌شود. اگر قبل از دادخواست اموال را منتقل کرده باشد شامل این شرط نمی‌گردد. و همچنین تا نصف اموال یعنی از یک درصد تا پنجاه درصد و تشخیص این که چه مقدار از اموال می‌بایستی به زوجه انتقال یابد یا معادل آن داده شود با دادگاه می‌باشد و الزامی به پنجاه درصد اموال نیست.

ماهیت شرط تنصیف دارایی:

شرط را می‌توان التزام و تعهدی تبعی و ضمن



عقد

دانست که در مانحن فیه اولاً دلیل لزوم توفیق زوجین بر آن، دارای ماهیتی قراردادی است و ثانیاً از نوع شرط فعل حقوقی موضوع بند ۳ ماده ۲۳۴ قانون مدنی است که موضوع آن «تعهد انتقال و تملیک بلاعوض تا نصف دارایی تحصیل شده زوج در زمان زوجیت، به زوجه» است به لحاظ حقوقی بر شرط مذکور ایراداتی همچون مجهول بودن مقدار مالی که هنگام طلاق از سوی زوج به زوجه منتقل می‌گردد در زمان توافق زوجین بر شرط مزبور، به واسطه عبارت «تا نیمی از دارایی» در متن آن، و نیز عدم وجود دارایی موضوع شرط حین عقد نکاح وارد شده است.

مطابق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی (طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد دیگر بنمایند). شرط تنصیف که مبنای حمایتی آن از زنان بارز و مشهود است زیرا چه بسا موجب انصراف زوج از طلاق و نیز تامین مالی زوجه پس از طلاق گردد که براساس مصوبه شورای عالی قضایی در سال ۶۱ و ۶۲ به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور جهت درج در اسناد نکاحیه ابلاغ شده است. به شرح ذیل: (در ضمن عقد نکاح عقد خارج لازم، زوج شرط نمود که هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه، تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءاخلاق و رفتار او نبوده، زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آنرا طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید).

شرط تنصیف چیست؟

در صفحه هشتم قباله ازدواج (سند نکاحیه) سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به صورت چاپی و پیش فرض شرط نصف دارایی را پیش بینی کرده است و در ذیل آن محل امضاء زوج و زوجه قرار داده است و این بدین معنی است که اگر زوجین و به خصوص زوج (مرد) این شرط را امضاء نکند، نصف اموال در روابط زوجین جایگاهی نخواهد داشت. شرط نصف دارایی فقط در جای مصداق دارد که اولاً طلاق از جانب زوج مطرح شده باشد پس شامل طلاق توافقی و یا طلاق از جانب زوجه نمی‌شود. و بدین معنی است که نصف دارایی مرد (زوج) به زن (زوجه) تعلق می‌گیرد. ثانیاً اگر زوج بتواند ثابت نماید که طلاق در اثر سوء رفتار و سوء معاشرت زوجه و یا تخلف زن از وظایفش در قبال شوهر، بوده است. شرط نصف اموال شامل زوجه نمی‌شود به عنوان مثال زوجه محکوم به تمکین شده باشد و در این خصوص رای قطعی صادر شده باشد. ثالثاً شامل اموالی می‌شود که زوج بعد از تاریخ

یک دادخواست حقوقی چگونه تنظیم می شود؟

نویسنده **فاطمه رضایی**

دادخواست به برگه چاپی مخصوصی گفته می شود که درخواست خواهان در آن قید شده یا به عبارت دیگر "دادخواست بیان ادعا نزد مراجع قضایی در اوراق مخصوص است رسیدگی به دعاوی حقوقی در دادگستری مستلزم تقدیم دادخواست از طرف مدعی (خواهان) می باشد. دادخواست به دفتر دادگاه و در نقاطی که چندین شعبه وجود دارد، به دفتر شعبه اول تسلیم می شود.

دادخواست به برگه چاپی مخصوصی گفته می شود که درخواست خواهان در آن قید شده است یا به عبارت دیگر "دادخواست بیان ادعا نزد مراجع قضایی در اوراق مخصوص است". دادخواست را می توان از محل فروش اوراق قضایی واقع در کلیه دادگستری ها و مجتمع های قضایی در سراسر کشور تهیه کرد. هر چند دادخواست براساس نوع مطالب مندرج در آن ها (بر اساس نوع خواسته) تا حدی با هم متفاوتند اما همگی آنها اغلب حاوی نکات زیر هستند:

نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و در صورت امکان شغل خواهان خواهان یا مدعی شخصی است که از دادگاه چیزی برای خود و به ضرر دیگری می خواهد. در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود، مشخصات وکیل باید درج شود. قید نشدن مشخصات یا ناقص بودن آن باعث رد دادخواست خواهان می شود.

نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده. خوانده یا مدعی علیه شخصی است که دعوی به او توجه دارد. به عبارت دیگر، شخصی است که ادعا علیه او اقامه شود.

در صورت قید نشدن مشخصات یا ناقص بودن آن، دادگاه طی یک اخطاریه به خواهان فرصت می دهد تا نسبت به رفع نقص اقدام کند در غیر این صورت دادخواست خواهان رد خواهد شد. تعیین خواسته و بهای آن مگر آنکه تعیین بها ممکن نبوده یا خواسته مالی نباشد.

آنچه را که مدعی از دادگاه تقاضا می کند خواسته یا مدعی به گویند. تعهدات یا جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می داند به طوری که مقصود واضح و روشن باشد.

عنوان دادخواست: آنچه را که خواهان از دادگاه درخواست دارد.

شرح دادخواست: ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشته ها، شهود و غیره.

علیه او صادر و اجرا نشده باشد. پس از صدور و اجرای رای الزام به تمکین (یعنی اثبات اینکه زن، زندگی مشترک را ترک کرده و وظایف زناشویی را انجام نمی دهد) حق او بر مطالبه نفقه ساقط می گردد اما در شرط تنصیف دارائی، اثبات سوء رفتار یا سوء اخلاق زوج، نیازمند رأی قبلی نیست. ممکن است در جلسه یا جلسات رسیدگی به درخواست طلاق از سوی زوج، سوء رفتار یا اخلاق زن به اثبات برسد. نکته در تنصیف دارایی این است که در مورد این شرط، ماده قانونی وجود ندارد. بدین معنا که ماده قانونی مستقلی مانند مهریه یا نفقه به تعریف آن نپرداخته است و فقط در راستای اجرای تعهدات طرفین و بر مبنای این اصل حقوقی که هر شخصی تعهدات خود را میبایست به انجام برساند، زوج متعهد به ایفاء تعهد و شرطی است که در عقدنامه آن را امضاء نموده است.

آیا شرط تنصیف دارایی قابل تغییر است؟

بله طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، زوجین بعد از عقد هم میتوانند هر شرط معقول و مشروعی را در عقدنامه قرار دهند.

نکته: اگر بعد از ازدواج سهم الارثی به زوج

برسد شامل شرط نصف دارایی نمی شود، چرا که از متن شرط چنین استنباطی می شود که شامل اموالی است که بر اثر کار و کوشش در ایام زوجیت به دست آمده باشد و زوج با امضاء آن توافق می کند که چنانچه بعد از ازدواج اموالی را به دست آورد زوج نیز در آن سهم دارد. همچنین موجود بودن دارایی در زمان طلاق شرط است: بنابراین اموال به دست آمده باید موجود باشد و شامل اموالی که از بین رفته یا مفقود شده یا تلف شده یا منتقل شده نمی شود، اثبات وجود دارایی زوج بر عهده زوج است که عنوان مدعی شرط را دارد.



عرضه میدارد و در قبال انتقال مالکیت آن بها دریافت مینماید، مبیع نامیده میشود که مبیایست دارای اوصاف ذیل باشد: - مبیع باید هنگام عقد موجود باشد. - مبیع باید حین العقد مالیت داشته باشد. - مبیع باید قابل خرید و فروش در بازار باشد. - مبیع باید معلوم و معین باشد.

نخستین اثر عقد بیع، انتقال مالکیت از مالک کنونی به شخص طرف مقابل است. به عبارت دیگر فروشنده، مالکیت خود بر مبیع را از دست داده و مالک ثمنی میشود که از خریدار دریافت میدارد و خریدار مالک مبیعی میشود که در ازای دریافت آن ثمن پرداخت نموده است. از دیگر تکالیف قانونی تحمیل شده، الزام فروشنده به تحویل مبیع میباشد.

الزام به تحویل مبیع
الزام به تحویل ملک

الزام فروشنده به تحویل مال غیر منقول پس از انعقاد عقد بیع، فروشنده ملزم میگردد مبیع را به تحویل و تسلیم خریدار در آورد و چنانچه از این مهم سرباز زند خریدار میتواند الزام او بر تحویل مبیع گرچه در برخی از نوشته های حقوقی این دو ترکیب را به جای هم به کار می برند. شکی نیست که بین آن دو فرق است و برای همین در ماده ۴۰۱ قانون مدنی هر دو ترکیب استعمال شده است. ماده مرقوم مقرر داشته است: «اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد... هم شرط خیار و هم بیع باطل است»

خیار به معنی: اختیار فسخ معامله است و چنانچه این اختیار ناشی از شرط مقرر بین طرفین عقد باشد، آن را «خیار شرط» می نامند، همانطور که ممکن است به هریک از علل مقرر در ماده ۳۹۶ قانون مدنی ایجاد شود؛ گرچه در برخی از نوشته های حقوقی این دو ترکیب را به جای هم به کار می برند.

حق حبس از قواعد مربوط به عقود معوض است که عقد بیع نیز جزء این عقود است. بنابراین بایع می تواند مبیع را به مشتری ندهد تا ثمن را بگیرد و مشتری نیز می تواند ثمن را نپردازد تا مبیع را از بایع تحویل بگیرد.

ارکان عقد بیع

هر عقدی برای منعقد شدن و به وجود آمدن در عالم حقوق نیازمند ارکان و موارد الزامی است که با وجود آن ارکان، عقد مورد نظر محقق میگردد.

ارکان عقد بیع از قرار ذیل است:

۱- ایجاب و قبول

لزوم وجود ایجاب و قبول (اصولا از ناحیه فروشنده به خریدار پیشنهادی در مورد انعقاد عقد بیع داده میشود که این پیشنهاد خرید مبیع، ایجاب نامیده میشود. و آن عملی که از ناحیه خریدار واقع میگردد، قبول نمودن همان ایجابی است که فروشنده مطرح نموده)

۲- متعاملین

طرفین قرارداد، فروشنده و خریدار باید حین معامله وجود داشته باشند و دارای اوصاف و شرایط لازمه باشند به عنوان مثال متعاملین مبیایست دارای عقل، بلوغ، رشد و قصد و رضا حین معامله باشند.

۳- ثمن

اصولا ثمن معامله بصورت وجه رایج کشور میباشد و بهای آن چیزی است که در قبال پرداخت ثمن، به ملکیت خریدار در می آید.

۴- مبیع

آنچه که فروشنده بعنوان یکی از عوضین معامله در عقد بیع جهت فروش به طرف مقابل



بیع: منظور خرید و فروش است.

بایع: نام دیگر فروشنده است.

مبیع: مورد معامله را گویند. (اطلاعات بیشتر در وکیل الزام به تحویل مبیع)

ثمن: آنچه که در ازای مورد معامله داده میشود که معمولاً پول است.

عین: شیء خارجی و قابل لمس که قابل مشاهده است.

مال کلی: مالی است که فی الحال وجود خارجی ندارد و صرفاً بر اساس جنس، وصف و مقدار معامله می شود.

عقد بیع به بیان ساده عقدی است که در آن مالی به مالکیت خریدار در می آید و در قبال آن، خریدار مابه ازایی باید به فروشنده پرداخت کند که به ملکیت فروشنده وارد میشود.

عقد مهم بیع دارای ویژگی هایی از قرار ذیل است:

بیع عقد تملیکی است؛ یعنی به محض انعقاد قرارداد بیع، اصولاً خریدار مالک مبیع خواهد شد.

بیع عقدی معوض است؛ یعنی اینکه فروشنده و خریدار باید مبیع و ثمن را با یکدیگر مبادله کنند.

تفاوت خیار شرط با شرط خیار

مآئده رضوی نژاد

نویسنده

شکی نیست که بین آن دو فرق است و برای همین در ماده ۴۰۱ قانون مدنی هر دو ترکیب استعمال شده است. ماده مرقوم مقرر داشته است: (اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد... هم شرط خیار و هم بیع باطل است).

خیار به معنی: اختیار فسخ معامله است و چنانچه این اختیار ناشی از شرط مقرر بین طرفین عقد باشد، آن را «خیار شرط» می نامند، همانطور که ممکن است به هریک از علل مقرر در ماده ۳۹۶ قانون مدنی ایجاد شود؛ ولی خیارات دیگر مانند خیار مجلس و حیوان و عیب و به حکم قانون به وجود می آیند، بدون این که توافق طرفین نقشی در آن ها داشته باشد و خیار شرط در نتیجه توافق و تلاقی اراده ی طرفین در ضمن عقد لباس هستی به تن می کند.

ماده ۳۹۹ قانون مدنی می گوید: «در عقد بیع ممکن است شرط شود که در مدت معین برای بایع یا مشتری یا هردو یا شخص خارجی اختیار فسخ معامله باشد.» آن موجود تبعی که در ضمن عقد اصلی در نتیجه تلاقی اراده ی طرفین ابراز وجود می کند شرط خیار است و آن اختیار فسخ که در نتیجه ی این موجود اعتباری تبعی حاصل می شود، «**خیار شرط**» نامیده می شود.

توجه به ماده ۴۰۰ قانون مدنی نیز فرق آن دو را رخ عیان می سازد: «اگر ابتدا مدت خیار ذکر نشده باشد، ابتداء آن از تاریخ عقد محسوب است و الا تابع قرارداد متعاملین است.» پس این شرط خیار نیست که مدت برای آن تعیین می شود، بلکه حق ناشی از آن، که خیار شرط (حق فسخ ناشی از شرط) نامیده می شود، باید مدت داشته باشد.

به بیان ساده تر شرط خیار یعنی:

شرطی که خیار (اختیار فسخ) ایجاد می کند.

خیار شرط یعنی:

خیاری (اختیار فسخ) که از شرط حاصل می شود. سبب ایجاد خیار را شرط خیار می نامند و آنچه در نتیجه آن شرط به وجود می آید، خیار شرط نام می نهند. سخن آخر این که «خیار شرط نتیجه ی شرط خیار است».



چک امانی

مآئده رضوی نژاد

نویسنده

اگر چکی را بعنوان امانت، صادر کردید و به شخص دیگری تحویل دادید و قرارتان با او، این بوده که چک امانی را در تاریخ مشخصی به شما بازگرداند و او اقدام به خرج نمودن چک و انتقال آن به شخص دیگری نمود شما برابر قانون می توانید به ترتیب زیر اقدام کنید:

- به بانک دستور بدهید از پرداخت وجه آن چک، خودداری کند و بلافاصله اقدام به طرح دعوا جهت بازگرداندن اصل چک نمایید. **به شرطی** می توانید چنین اقدامی بنمایید که رسید کتبی و سند اطمینان آوری برای اثبات، امانی بودن چک داشته باشید.

- برابر ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی، اقدام به طرح شکایت کیفری علیه امین کنید.

ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی، بیان داشته است که:

” هر گاه چک به عنوان امانت، به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که چک مذکور، مسترد شود و شخصی که چک نزد او بوده، آن را به ضرر مالکین یا متصرفین آن ها، استعمال یا تصاحب نماید، به حبس از شش ماه تا سه سال، محکوم خواهد شد.“

به شرطی می توانید چنین اقدامی بنمایید که رسید کتبی و سند اطمینان آوری برای اثبات، امانی بودن چک داشته باشید.

- اقدام به طرح دعوای حقوقی لازم برای بازگرداندن اصل چک علیه شخص امین نمایید زیرا صدور حکم به رد چک مورد خیانت، مستلزم تقدیم دادخواست حقوقی است.

به شرطی می توانید چنین اقدامی بنمایید که رسید کتبی و سند اطمینان آوری برای اثبات، امانی بودن چک داشته باشید.

- اگر شخص امین، چک را خرج کرد و شما در مقابل دارنده چک، محکوم به پرداخت وجه چک شدید و اموال و وجه شما توقیف و برداشت شد می توانید علیه شخص امین، علاوه بر دعوای کیفری خیانت در امانت، اقدام به طرح دعوای مطالبه خسارت، معادل وجه چک و خسارت و هزینه های قانونی و دادرسی نمایید.

به شرطی می توانید چنین اقدامی بنمایید که رسید کتبی و سند اطمینان آوری برای اثبات، امانی بودن چک داشته باشید.

ملاحظه می فرمایید که در همه موارد بالا چیزی که بسیار مهم است این است که شما سند و مدرک و رسید کتبی داشته باشید که بتوانید با آن در دادگاه، ثابت کنید که چک، امانی بوده است.

بنابراین هر زمان که چکی را بعنوان چک امانت، صادر می کنید در متن چک بنویسید که بابت امانت در زمینه صادر شده است یا اینکه از گیرنده چک، رسید کتبی با اخذ امضا و اثر انگشت بگیرید که چک شماره مورخ به مبلغ صادره از حساب شماره در بانک شعبه را بابت امانت در زمینه از آقای تحویل گرفته و متعهد است آن را در تاریخ به صادر کننده چک، بازگرداند

در عقد صلح به نفع او شرط شده است) در ردیف سایر طلبکاران ورشکسته قرار گرفته و سهمی از اموال به او می رسد.

صلح در دادگاه:

صلحی که در دادگاه و یا شوراهای حل اختلاف انجام شود که از نظر اجرا مانند حکم دادگاه است مفاد این صلح نسبت به طرفین و وراث و قائم مقام قانونی آن ها نافذ و معتبر است و چنین صلحی مانند احکام دادگستری به اجرا گذاشته می شود و اگر صلحی به موجب سند رسمی انجام شود موجب ختم رسیدگی در دادگاه بوده و مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد لازم الاجرا در مورد آن جاری خواهد شد. چنانچه کسی مالی را با عقد صلح تملیک کند و بعد معلوم شود که مال در زمان وقوع صلح از بین رفته بوده چنین صلحی باطل است.

همچنین اگر در مورد اختلاف در حضانت کودک صلح و بعداً معلوم شود که اساساً طفل در زمان وقوع عقد صلح فوت کرده چنین صلحی باطل است. حقی که در اثر وقوع جرم ایجاد می شود را نیز می توان صلح کرد. به عنوان مثال اگر تصادفی واقع و ضرری متوجه شخص شود می توان مطالبه خسارت ناشی از تصادف را صلح کرد اما باید جرمی وقوع یابد تا صلح واقع شود و نمی توان آثار احتمالی جرمی که هنوز واقع نشده است را صلح کرد.

زمینی است که مالک ندارد و آباد نیست) را با یکدیگر معامله کنند و در این معامله بین آنان اختلافی حاصل و سپس بخواهند این اختلاف را به صلح خاتمه دهند چنین صلحی باطل است زیرا اساس اختلاف در خصوص معامله زمین موات بوده که باطل است.

اموال دولتی رانمی توان مصالحه کرد زیرا در عقد صلح، مورد صلح باید در مالکیت مطلق شخصی که می خواهد مالش را صلح کند باشد.

سوال: عقد صلح به جای چه عقودی قرار می گیرد؟

پاسخ: عقد صلح به صورت فرعی می تواند به جای عقود زیر قرار گیرد:

- عقد بیع (انتقال عین به عوض معلوم)
- عقد اجاره (انتقال منفعت به عوض معلوم)
- عقد عاریه (انتقال منفعت بدون عوض)
- هبه (انتقال مالکیت بدون عوض معلوم)
- ابراء (اسقاط دین)

عقد صلح به ضرر شخص ثالث:

چنانچه موضوع صلح با نظم و قواعد عمومی در تعارض باشد صحیح نیست مانند بستن عقد صلح به منظور محروم کردن شریک از حق شفعه چنانچه یکی از شرکا به منظور محروم کردن شریک خود برای استفاده از حق شفعه اش با شخص ثالثی قرارداد صلح منعقد اما در واقع منظورش فروش سهم خود باشد و از عقد صلح به منظور پوشش ظاهری استفاده کند عقد صلح باطل است و در واقع چنین صلحی به ضرر شخص ثالث است.

اثر صلح به نفع شخص ثالث:

در عقد صلح می توان شرطی را به نفع ثالث کرد مثال شخص الف با شخص ب درباره موضوعی صلح می کنند مشروط بر آن که یکی از طرفین کاری را به نفع شخص ثالث انجام دهند و همچنین می توان شرط کرد که منافع چنین شرطی پس از شخص ثالث به ورثه او نیز منتقل شود. صلحی که به این طریق منعقد می شود با ورشکسته شدن متعهد فسخ نمی شود مگر آن که در عقد صلح چنین شرطی شده باشد و در صورت عدم قید چنین شرطی، متعهد له (کسی که

تعریف صلح: صلح در لغت به معنی سازش، آشتی و توافق است و در قرآن و سنت ما نیز عقد صلح به معنی دفع مرافعه و پایان بخشیدن به دعوی به کار می رود، در قرآن کریم از صلح در شش آیه از سوره های انفال، نساء، حجرات نام برده شده است زیرا اسلام دین رافت و عطوفت است و قوانین شرعی برای حفظ ارزش های انسانی و ایجاد فرصت های مناسب برای اصلاح و تزکیه نفس و خودسازی وضع شده است.

اقسام صلح:

- ۱- صلح به منظور رفع تنازع (صلح دعوی): که همان تراضی طرفین برای پایان دادن به دعوی است.
- ۲- صلح در مقام معامله: که عبارت از صلحی است که به صورت عرفی جایگزین عقود دیگر می شود. صلح به طور معمول دارای معوض است ولی ضرورتی ندارد که ارزش دو عوض با هم برابر باشد، هر گاه عوض نابرابر و ناچیزی در صلح تعیین شود، چنین صلحی (صلح محاباتی) نیز نامیده می شود.

شرایط عقد صلح:

طرفین در عقد صلح مانند سایر عقود باید دارای:

- اهلیت (رشد، عقل، بلوغ) باشند و منظور از آن هم اهلیت در معامله و هم اهلیت در تصرف است و چون تاجر ورشکسته و مرتهن (کسی که مال برای او به رهن گذاشته می شود) اهلیت در تصرف ندارند بنابراین نمی توانند طرف عقد صلح واقع شوند.

صلح بر امر غیر مشروع باطل است مانند آن کسی که به موجب عقد صلح حلالی را حرام و یا حرامی را حلال کند که مانند صلح برای آشامیدن شراب که در دین اسلام چنین صلحی حرام است.

عقد صلح که برای فرار از دین باشد باطل است، زیرا عقد چنین صلحی موجب ورود خسارت بر طلبکاران می شود و چون جهت چنین عقدی باطل است خود عقد صلح نیز باطل می شود.

صلح بر امر باطل نیز باطل است به عنوان مثال اگر دو نفر زمین مواتی (زمین موات



آثار ریاست مرد در خانواده

قانون مدنی مقرر می دارد: "در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است." در واقع، نظام حقوقی ایران مرد را به عنوان ستون خانواده معرفی کرده و نقش قائم و نگهدارنده را به وی داده است، تا جاییکه ریاست خانواده از امور مربوط به نظم عمومی است و شوهر نمی تواند به اختیار یا ضمن یک توافق از آن بگذرد. البته ریاست مرد بر خانواده یک امتیاز یا برتری برای او محسوب نمی شود، بلکه یک مسئولیت است، همانگونه که زن محور کانون خانواده است و با مهر ورزی و محبت نسبت به شوهر و فرزندان به تلطیف محیط زندگی می پردازد. ریاست شوهر بر خانواده در حقوق ما دارای آثار و نتایجی است که فهرست وار بیان می گردد:

- به عهده داشتن ولایت قهری اطفال. (ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی)
- به عهده داشتن هزینه خانواده. (ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی)
- اختیار تعیین مسکن اصولاً با شوهر است. (ماده ۱۱۱۴)
- تمکین زن. (ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی)
- بازداشتن زن از شغل با مصالح خانوادگی منافات داشته باشد (ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی)
- زن حق دارد نام خانوادگی شوهر را با موافقت او بکار ببرد (ماده ۴۲ قانون ثبت)

نکات مهم نفقه زوجه

- ۱- نفقه زوجه (زن) مقدم بر نفقه اقارب است
- ۲- زوجه (زن) می تواند نفقه معوقه (زمان گذشته) خود را مطالبه کند و برای وصول آن در دادگاه دعوی نماید ولی خویشاوندان نسبی فقط نسبت به آتیه می توانند مطالبه نفقه نمایند.
- ۳- نفقه زوجه (زن) مشروط به فقر و یا تمکن مرد نیست. زوجه، اگر چه ثروتمند یا شاغل باشد می تواند از شوهر نفقه بخواهد. در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه زوجه حق خواهد داشت که از دادگاه تقاضای طلاق نماید. اما در نفقه اقارب فقیر یک طرف و تمکن طرف دیگر شرط تحقق وجوب نفقه است.
- ۴- نفقه زوجه تکلیف یک جانبه است و در حقوق ایران زن مکلف به دادن نفقه به شوهر خود نیست، در حالی که نفقه اقارب یک تکلیف متقابل است (یعنی فرزند مکلف به دادن نفقه به والدین و پدر مکلف به دادن نفقه به فرزند و نوه هاست).
- ۵- طلب زوجه (زن) از بابت نفقه ممتاز محسوب میشود و در صورتی که دارای زوج کفاف همه دیون او را ننماید، حق زن بر سایر طلبکاران مقدم است. در حالی که نفقه اقارب از چنین خصوصیتی برخوردار نمیباشد.

قطعی شده باشد یا در صورت صدور قرار اجرای موقت. ابلاغ به محکوم علیه، وکیل، قائم مقام قانونی. صدور اجرائیه مگر در موارد معین قانونی. (ماده ۴)

ترتیب اجرا:

اجرائیه بوسیله قسمت اجرای دادگاه صادر کننده حکم؛ اجرا می شود.

مامور اجرا بعد از شروع توان متوقف کردن عملیات اجرا را نخواهد داشت مگر در موارد قانونی. (ماده ۲۴)

رفع اشکال در مورد اشکال در اجرای حکم با دادگاه اجرا کننده خواهد بود.

رفع اشکال در مورد اشکال در مفاد حکم با دادگاه صادر کننده حکم خواهد بود.

در مورد حدوث اختلاف در مفاد حکم؛ هر یک از طرفین میتوانند رفع اختلاف را از دادگاه بخواهند که در این صورت:

رسیدگی دادگاه = در وقت فوق العاده
و در صورت احتیاج به وقت بیشتر برای رسیدگی = در جلسه خارج از نوبت

حکمی که موضوع آن معین نیست؛ قابل اجرا نمی باشد.

صدور اجرائیه با دادگاه نخستین خواهد بود.

برگ های اجرائیه به تعداد محکوم علیه بعلاوه دونسخه (نه یک نسخه) صادر میشود.

آخرین محل ابلاغ به محکوم علیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجرائیه؛ سابقه محسوب میشود.

مرجع رفع اختلاف از اجرای رای داوری (نه رای دادگاه) = دادگاهی که اجرائیه را صادر نموده است.

درخواست رفع اختلاف موجب تاخیر اجرای حکم نخواهد بود؛ مگر دادگاه قرار تاخیر اجرای حکم را صادر کند.



هنگامی که صادرکننده چک فوت کند، از آنجایی که در زمان صدور چک آن شخص زنده بوده و این تصمیم طبق اختیار وی گرفته شده، بانک می‌تواند قبل از حصر وراثت، تعیین ورثه و بررسی اموال متوفی وجه چک را به دارنده پرداخت و یا کارسازی کند. طبق قانون، چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادر کننده، کل یا قسمتی از وجهی را که در نزد بانک (محال علیه) دارد به دیگری واگذار می‌کند.

چک سندی است تجاری که قانون‌گذار جهت تسریع امور تجاری، مزایایی برای دارنده آن در نظر گرفته و طبق قانون چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد و یا با امضاء پشت یا ظهر آن به دیگری منتقل شود. اما هنگامی که صادرکننده چک با خط کشیدن عبارت «به حواله کرد» در متن آن، پشت نویسی را از کسی که چک در وجه او صادر شده، سلب می‌کند و دریافت کننده هم با پذیرش چک موافقت خود را اعلام می‌کند.

در نتیجه به نظر می‌رسد که شخصیت و خود دارنده چک برای صادر کننده مهم بوده و بدین طریق نخواستار است وجه چک مزبور توسط شخص دیگری وصول و یا دریافت شود، لذا در صورتی که این گونه چک‌ها به دیگری منتقل شود، بانک می‌تواند از پرداخت وجه آن به غیر استنکاف ورزد.

هر چند عده‌ای معتقد هستند چک وسیله پرداخت سریع در امور تجاری محسوب شده و به صرف امضاء و ظهرنویسی اشخاص قابل نقل و انتقال است.

چنانچه صادر کننده چک فوت کند، بانک می‌تواند قبل از حصر وراثت، تعیین ورثه و بررسی اموال متوفی وجه چک را به دارنده پرداخت و یا کارسازی کند، چرا که این تصمیم در زمان حیات وی اتخاذ شده است.

این امر در مواردی هم که چک مدت دار بوده و تاریخ سر رسید آن بعد از فوت صادر کننده است، مصداق دارد.

مطابق ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی بدهی‌های مدت دار (موجل) متوفی بعد از فوت او حال و بروز می‌شود، لذا در این حالت هم، چون چک در زمان حیات متوفی صادر شده، با مرگ او بدهی مدت دار او حال می‌شود و بانک باید قبل از تاریخ سر رسید وجه چک را به دارنده چک پرداخت کند. از طرفی هم به موجب ماده ۳۱۱ قانون تجارت، پرداخت چک نباید وعده داشته باشد و بانک‌ها باید با داشتن موجودی در حساب متوفی، وجه چک را پرداخت کنند.

رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته با دادستان یا قاضی اجرای احکام است. (ماده ۱۰۹)

کنترل ارتباط مخابراتی محکومان با تشخیص دادگاه نخستین که رای زیر نظر آن اجرا می‌شود یا قاضی اجرای احکام صورت می‌گیرد. (تبصره ۲ ماده ۱۵۰)

صدور دستور اجرای احکام لازم الاجرای کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آنها (ماده ۴۸۹)

نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان (ماده ۴۸۹)

اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط مطابق قوانین و مقررات (ماده ۴۸۹)

اعطای مرخصی به محکومان بر اساس قوانین و مقررات (ماده ۴۸۹)

اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی صعب‌العلاج و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آنها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات (ماده ۴۸۹)

اجرای آرای کیفری و نظارت بر اجرای آنها (ماده ۴۹۵)

رفع اشکالات مربوط به اجرای رای (ماده ۴۹۷)

صدور دستور جلب محکوم علیه (ماده ۵۰۰)

تعویق اجرای مجازات در موارد مقرر قانونی (ماده ۵۰۱)

صدور قرار موقوفی اجرای مجازات (ماده ۵۰۵)

صدور قرار تأمین مناسب در مواردی که اجرای حکم نیاز به دسترسی به محکوم علیه به دفعات متعدد وجود دارد. (ماده ۵۰۷)

تصمیم درباره درخواست محکوم علیه، کفیل و وثیقه‌گذار در مورد تبدیل قرار تأمین (ماده ۵۰۸)

صدور دستور منع خروج از کشور محکوم علیه (ماده ۵۰۹)

اقدام به ارسال پرونده به دادگاه صالح در مواردی که محکوم علیه دارای احکام دیگری است که در اجرای مقررات تکرار و تعدد مؤثر است. (ماده ۵۱۰ و ۵۱۱)

نگهداری زندانیان در هر بخش با تأیید قاضی اجرای احکام صورت می‌گیرد. (تبصره ۲ ماده ۵۱۳)

تعویق اجرای مجازات در مواردی که مداوای محکوم علیه در خارج از زندان ضروری باشد. (ماده ۵۱۹)

تأیید تنبیهاتی که برای زندانیان متخلف در نظر گرفته شده است. (ماده ۵۲۳)

معاف کردن محکوم علیه از ۲۰ درصد از مبلغ جزای نقدی در صورتی که محکوم علیه ظرف ده روز از ابلاغ احضاریه برای پرداخت جزای نقدی حاضر شود. (تبصره ۳ ماده ۵۲۹)

نظارت بر حضور و فعالیت محکومان، در محل تبعید یا اقامت اجباری (ماده ۵۴۶)

پیشنهاد کاهش مدت تعلیق اجرای مجازات (ماده ۵۵۲)

مجازات توهین و افتراء در فضای مجازی

نویسنده **پریسا دهقانی**

توهین در لغت به معنای حقیر و سبک شمردن، خوار کردن است. با گسترش ارتباطات و تکنولوژی، نوع و وسیله ارتکاب جرم تغییر پیدا کرده است در این جا به بررسی جرم توهین در فضای مجازی و مجازات جرم توهین در فضای مجازی می پردازیم.

مجازات جرم توهین را می توان بر طبق ماده ۱۶ قانون جرایم رایانه ای دانست که عبارت است از: (هر کس به وسیله سیستم های رایانه ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات خواهد شد). توهین و اهانت به اشخاص در هر فضایی جرم است و طبق قانون اساسی کشور اگر پیگیری شود و شکایت صورت بگیرد، مجازات نیز از سوی دادگاه صادر می شود. لذا توهین کردن و اهانت در رسانه های مجازی عصر حاضر اعم از واتسپ، تلگرام، اینستاگرام، توییتر، ایتا، سروش، روبیکا و... جرم است و طبق ((ماده ۶۰۸ بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ قانون مجازات اسلامی، در صورتی که اهانت منجر به حد قذف نشود، جزای نقدی درجه ۶ است.)) البته روند قضایی متفاوت است.

نحوه شکایت و پیگیری توهین در فضای مجازی:

اولین مرحله برای انجام شکایت ثبت مدرک لازم است. در صورتی که توهین به اثبات دادگاه قضایی نرسد، شکایت صورت نمی گیرد. تهیه اسکرین شات

یا عکس از صفحه برای درج مدرک با خاموشی اتصال داده گزینه مناسبی است. چرا که اگر اینترنت دستگاه همچنان روشن باشد، در موارد جدی تر امکان هک دستگاه و اپلیکیشن برای از بین بردن مدرک و اهانت انجام شده، وجود دارد.

در کلان شهرها دادسرای جرائم رایانه ای به شکایات رسیدگی می کند و دادسرای عمومی برای رسیدگی به شکایات رایانه ای در زمه شهرستان ها است تا گرفتن نامه احراز اصالت سنجی صورت گرفته و به پلیس فتا ابلاغ گردد.

از آنجایی که توهین و اهانت در رده جرائم رایانه ای قرار دارند و جرائم رایانه ای به هر گونه جرمی که در رسانه صورت گیرد، گفته می شود؛ جرائم رایانه ای از انواع جرائم کیفری به حساب می آیند. بنابراین در این مورد یک وکیل کیفری مجرب و خبره در مسائل و قوانین کیفری می تواند بسیار کمک کننده باشد.

جدیدترین مجازات توهین در فضای اینترنتی:

آخرین مجازات جرم توهین در فضای مجازی یا سایبری چه می باشد؟ یعنی مجازات توهین اینترنتی در سال جدید چیست؟ خوب است بدانید با اعمال کلیه مقررات جدیدالتصویب، اعم از قانون کاهش حبس تعزیری و اصلاح جزای نقدی، میتوان گفت به روزترین و آخرین مجازات جرم توهین در فضای مجازی اگر از مصادیق ماده ۱۶ قانون جرایم رایانه ای باشد، دربردارنده مجازات ۴۵ روز تا یک سال، یا جزای نقدی به مبلغ ۵ میلیون ریال تا ۴۰ میلیون ریال، یا اعمال هر دو مجازات در حق مرتکب جرم می باشد.

توهین و افتراء را می توان از هم جدا کرد، بدین صورت که:

توهین

مجازات توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک در صورتی که مشمول حد قذف نباشد، به موجب ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. و در صورتی که مشمول حد قذف (نسبت دادن زنا و لواط) باشد مجازات آن بر اساس ماده ۲۵۰ قانون مجازات اسلامی هشتاد ضربه شلاق خواهد بود.

افتراء

هر کس به هر وسیله ای، امری را صریحاً به دیگری نسبت دهد که مطابق با قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن را ثابت کند مجازات آن به موجب ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی، از یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و یا یکی از آنها حسب مورد خواهد بود.

ویژگی های جرم اهانت در فضای مجازی:

جرم توهین در فضای مجازی جرمی گسترده است در فضای مجازی انواعی از جرایم تحقق می یابد و بین فضای واقعی و مجازی مرزها برداشته شده است به نحوی که اکثر جرائمی که در فضای واقعی تحقق می یابد قابل تحقق در فضای مجازی می باشد. تفاوت فضای مجازی با فضای واقعی در توسعه جرائم می باشد به نحوی که می توان اینگونه بیان کرد که در فضای مجازی جرائم با حجم و وسعت بیشتری تحقق می یابند. به علاوه، به علت تعداد زیاد کاربران، امکان ردگیری و دستگیری مجرمان خیلی کمتر از

هدایای دوران نامزدی

نویسنده: **مآئده رضوی نژاد**

در رابطه با هدایای دوران نامزدی، آنچه بین طرفین ردوبدل می‌شود مشروط به ازدواج آنها بوده و زمانی که ازدواجی صورت نگیرد، دلیلی برای تعلق گرفتن هدایا به یکدیگر وجود نخواهد داشت به همین دلیل است که قانون مدنی در ماده ۱۰۳۷ مجوز استرداد هدایا به طرفین داده شده است.

اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایایی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می‌شود مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد.

شرایط مطالبه هدایا:

وصلت به هم خورده باشد.

این هدایا به منظور وصلت و در راستای آن داده شده باشد نه به انگیزه دیگر.

اگر عین هدایا موجود باشد، عین قابل مطالبه و استرداد است اما اگر عین موجود نباشد صرفاً قیمت هدایایی قابل مطالبه است که عادتاً نگاه داشته می‌شود.

قیمت هدایای نگاه داشتنی که تلف شده اند، در صورتی قابل مطالبه است که با تقصیر هدیه گیرنده تلف شده باشد.

به هم خوردن وصلت به دلیل «فوت» یکی از طرفین نباشد. در صورتی که انحلال نامزدی ناشی از فوت یکی از نامزدها باشد، اگر هدایا «موجود» باشد، می‌توان هدایا را مسترد کرد.



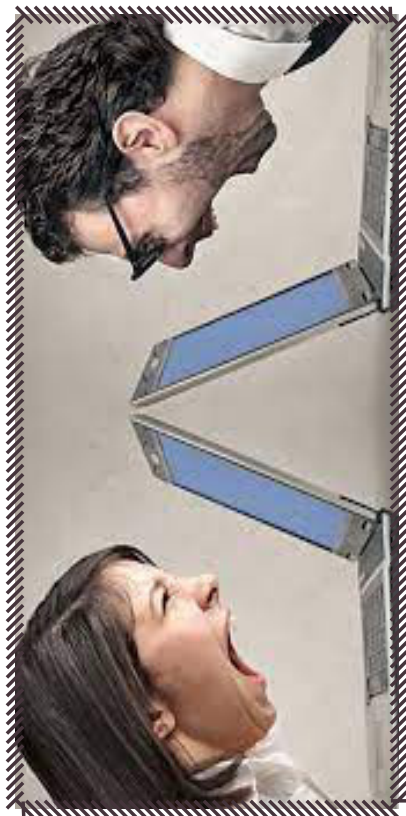
استرداد هدایا دوران عقد

است. پس در جرایم رایانه‌ای، تعیین محل وقوع بزه در اختیار بزه‌دیده است.

بزه‌دیده در هر مکانی از توهین رایانه‌ای اطلاع یابد، می‌تواند به شکایت کیفری اقدام کند. از این رو، محل حدوث نتیجه، محل وقوع جرم است و دادگاهی که این محل در حوزه آن قرار دارد، طبق ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، صالح به رسیدگی است.

محل وقوع جرم و دادگاه صالح به رسیدگی:

در توهین سایبری، اینترنت فقط یک وسیله برای ارتکاب جرم است (مثل مزاحمت تلفنی) و نباید آن را با مکان ارتکاب جرم اشتباه گرفت، زیرا در این صورت، در تشخیص دادگاه صالح نیز با مشکل مواجه خواهیم شد. در واقع، محل وقوع جرم، همان مکانی است که بزه‌کار رایانه‌ای به نتیجه مورد نظرش دست می‌یابد.



تعقیب مجرمان در جهان واقعی است.

بر این اساس، می‌توان ویژگی‌های خاص جرایم رایانه‌ای را به این ترتیب برشمرد:

گسترده‌گی

فراوانی

فرامرزی بودن

وقوع سهل و آسان

تنوع داشتن

و غیره...

توهین رایانه‌ای، نوع جدیدی از جرم توهین است که در آن، وسیله ارتکاب جرم رایانه است. جرم توهین رایانه‌ای، به معنی نسبت دادن هر چیز وهن‌آور، اعم از دروغ یا راست، به وسیله رایانه یا انجام دادن فعلی است که در نظر عرف و عادت، موجب کسر شأن یا باعث تحقیر و پست شدن فرد شود. می‌توان هتک حرمت را نتیجه حاصل از توهین رایانه‌ای دانست.

رای وحدت رویه مربوط به جرم توهین در فضای مجازی

این موضوع از رأی وحدت رویه شماره ۷۲۱-۱۳۹۰/۴/۲۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور به شرح زیر به دست می‌آید: «وقوع بزه مزاحمت برای اشخاص به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر، موضوع ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی، منوط به آن است که نتیجه آن که مقصود مرتکب است، محقق گردد. بنابراین، در مواردی که اجرای مزاحمت از یک حوزه قضایی شروع و نتیجه آن در حوزه قضایی دیگر حاصل شود، محل حدوث نتیجه مزبور، محل وقوع جرم محسوب و مناط صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده نیز همین امر خواهد بود.»

با توجه به وحدت ملاک توهین رایانه‌ای و مزاحمت تلفنی، می‌توان چنین بیان کرد که محل وقوع بزه توهین رایانه‌ای، محل حدوث نتیجه

سقف مهریه

نویسنده پریسا دهقانی

برای خیلی ها جای سوال دارد که منظور از ۱۱۰ عدد سکه مهریه چیست؟

مهریه تا میزان ۱۱۰ سکه قابلیت جلب و حبس را دارد و برای پرداخت بیشتر از آن، ملائت زوج ملاک پرداخت است. در صورتی زوج محکوم به پرداخت مهریه شده باشد برای جلوگیری از جلب و حبس، می بایست در مهلت مقرر دادخواست اعسار و تقسیط مهریه را تقدیم و ثبت کند یعنی زوج می بایست تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، دعوی اعسار خود را اقامه کرده باشد و چنانچه در مهلت مقرر دادخواست اعسار و تقسیط مهریه را مطرح نکرده باشد، امکان جلب و حبس او وجود خواهد داشت. همچنین اگر به موجب رأی قطعی اعسار و تقسیط، زوج محکوم به پرداخت پیش قسط و اقساط ماهیانه شده باشد، برای جلوگیری از جلب و حبس، زوج می بایست پیش قسط و همچنین اقساط مهریه را به موقع پرداخت کند و چنانچه مهریه بیشتر از ۱۱۰ سکه باشد و زوج اقساط مهریه را به طور مرتب پرداخت کند و جمع پرداخت های زوج به ۱۱۰ سکه از مهریه برسد از این زمان به بعد اگر اقساط مهریه را نپردازد، دیگر برای نپرداختن بیشتر از ۱۱۰ عدد سکه، جلب و حبس نخواهد شد.

آیا سقف و میزان مطالبه مهریه ۱۱۰ سکه است؟

در فصل ازدواج و ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده آمده است که اگر مهریه بیش از ۱۱۰ سکه باشد پرداخت آن مشروط به توانایی مالی زوج است. طبق این قانون میزان مهریه متعارف ۱۱۰

سکه بهار آزادی است که مرد موظف است آن را پرداخت کند و وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت های مالی است، در صورتی که مهریه سقف مذکور را رد کند، دادگاه تمکن مالی مرد را برای پرداخت بررسی می کند و تصمیم می گیرد که فرد زندانی شود یا خیر یعنی فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. با این حال تمام کسانی که تمکن مالی پرداخت ۱۱۰ سکه را نداشته باشند، به زندان می روند. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.

در اینجا سه حالت می توان متصور شد:

حالت اول

مهریه کمتر از ۱۱۰ سکه است: که در این صورت باید تمامی مهریه پرداخت شود، در غیر این صورت برابر قانون رفتار خواهد شد. (مطابق ماده ۲ قانون محکومیت های مالی)

حالت دوم

مهریه دقیقاً ۱۱۰ سکه است: که مانند حالت اول باید تمامی مهریه پرداخت شود، در غیر این صورت برابر قانون رفتار خواهد شد. (طبق ماده ۲ قانون محکومیت های مالی کسانی که برای پرداخت ۱۱۰ سکه اقدام نکنند، راهی زندان می گردند.)

حالت سوم

مهریه بیش از ۱۱۰ سکه تعیین شده است: که در این وضعیت، در ابتدا باید ۱۱۰ سکه مطابق قانون پرداخت گردد. (و در صورت امتناع از پرداخت، مطابق ماده ۲ محکومیت های مالی زندان در انتظار فرد خاطی است) سپس دادگاه تمکن مالی فرد را بررسی کرده و مطابق وضعیت مالی و تمکن وی تصمیم گیری خواهد نمود. ماده ۲۲ قانون نحوه اجرای

محکومیت های مالی: هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تادیه ننماید دادگاه او را الزام به تادیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می نماید در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تادیه حبس خواهد کرد. (ماده ۲۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، تقاضای طلبکار در بازداشت کردن بدهکار تا زمان پرداخت و حصول برائت ذمه را به رسمیت شناخته است.)

دریافت مهریه بالای ۱۱۰ سکه:

حال می خواهیم ببینیم دریافت مهریه بالای ۱۱۰ سکه به چه ترتیبی است. دریافت مهریه بالای ۱۱۰ سکه برخلاف مهریه تا ۱۱۰ سکه به این نیاز دارد که خانم به دادگاه مراجعه کند و ثابت کند که مرد توانایی مالی پرداخت مهریه را تا میزان بیش از ۱۱۰ سکه را دارد. برای این کار خانم باید اموالی را از آقا به دادگاه معرفی کند. به علاوه برای مهریه بالای ۱۱۰ سکه دادگاه حکم حبس صادر نمی کند و خانم نمی تواند از مرد شکایت کیفری کند.

نکات مهم دعوی مطالبه مهریه

-تمام احکامی که از سوی دادگاه های بدوی صادر می شود تنها زمانی قابل اجرا است که این احکام به قطعیت برسد.

-رسیدن به قطعیت حکم نیز معمولاً به دو شکل و شیوه مشخص اتفاق می افتد.

الف: شکل اول این است که هر دو طرف حکم را می پذیرند. و با نوشتن این جمله که «نسبت به حکم صادره اعتراضی ندارم و حق تجدیدنظرخواهی

این پول به طور مستقیم به خزانه دولت واریز می‌شود. و دولت هم به سادگی از حق خودش نمی‌گذرد، این مبلغ به صورت نقد دریافت می‌شود.

با پرداخت پیش‌قسط و قسط اول و نیم‌عشر و دیگر هزینه‌ها همچون: هزینه دادرسی، اجرای احکام در اولین فرصت نامه‌ای برای زندان می‌نویسد. و در نامه عنوان می‌شود که زندانی مهریه با توجه به پرداخت اولین قسط و در موارد اندکی به دلیل گذشت شاکی در صورتی که به دلیل جرم دیگری در زندان حضور ندارد می‌تواند از زندان آزاد شود.

- این نامه با پیک مخصوص دادگاه بلافاصله ارسال می‌شود.

جداگانه لایحه تجدیدنظرخواهی خود را به دادگاه ارائه می‌دهد.

- در مورد مهریه اغلب زنان با هدف آزار و اذیت همسر خود ارائه لایحه تجدیدنظرخواهی را معمولاً به آخرین روز واگذار می‌کنند. و به همین دلیل مرد مدت زمانی طولانی‌تر در زندان می‌ماند. البته درباره مردانی که در زندان حضور دارند. دادگاه معمولاً صدور، تایپ و ابلاغ حکم را با سرعت بیشتری انجام می‌دهد. اما برای زندانی یک روز هم یک روز است.

- بررسی پرونده‌ها در دادگاه تجدیدنظر معمولاً چندان طولانی نیست. پرونده‌ای هم که در آن مرد زندانی باشد با سرعت بیشتری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. تجربه نشان داده معمولاً دادگاه تجدیدنظر در صورت زندانی بودن مرد در حکم صادره مهریه تخفیف می‌دهد و پیش‌قسط و قسط را کم می‌کند.

این اتفاق در صورتی رخ می‌دهد که زن دلایل قانع‌کننده‌ای را در رد دادخواست تجدیدنظرخواهی مرد به دادگاه ارائه نکند. اما در صورتی که دلایل کافی از سوی زن به دادگاه ارائه شود وضعیت فرق می‌کند.

نکات مهم تر در مورد مهریه ۱۱۰ سکه

- دادگاه تجدیدنظر بعد از بررسی پرونده و صدور حکم، پرونده را به دادگاه بدوی می‌رساند. در این مرحله مرد و یا یکی از بستگان او می‌توانند برای پرداخت مهریه اقدام و در قالب نامه‌ای به دادگاه «تقاضای اجرای حکم» را مطرح کنند. دادگاه نیز با ارسال نامه‌ای برای شعبه اجرای احکام قطعی شدن رای را تایید می‌شود. و پرداخت قسط را بدون مانع عنوان می‌کند. پرداخت‌کننده مهریه (مهریه ۱۱۰ سکه) علاوه بر پرداخت قسط اول باید نیم‌عشر را نیز پرداخت کند.

ممکن است در صورت زیاد بودن نیم‌عشر اجرای احکام این مبلغ را نیز قسطی کند. اما در اغلب موارد به دلیل این که

را از خودم سلب می‌کنم» موافقت خود را با حکم صادره اعلام می‌کنند.

ب: شکل دوم هم این است که با اعتراض یکی از طرفین پرونده و یا هر دو طرف نسبت به حکم صادر شده، پرونده برای بررسی مجدد به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌شود. تا نسبت به اعتراض هر دو طرف پرونده رسیدگی گردد.

- واقعیت موجود در دادگاه‌های خانواده نشان می‌دهد که در اغلب موارد زنان و مردان حکم دادگاه بدوی درباره اعسار و تقسیط مهریه (حتی مهریه ۱۱۰ سکه) را نمی‌پذیرند. و با اعتراض نسبت به این حکم، شانس خود را برای به دست آوردن رای مطلوب امتحان می‌کنند. علت این مساله هم کاملاً روشن است. در اغلب موارد مردان نسبت به هر نوع تقسیتی اعتراض دارند و می‌خواهند تا حد ممکن پیش‌قسط و اقساط کمتری بپردازند.

- زنان هم که معمولاً مسیری سخت و طولانی را برای به دست آوردن مهریه طی کرده‌اند. همیشه می‌خواهند حاصل جنگ و گریز طولانی خود را با پیش‌قسطی چرب و نرم تر و اقساط ماهانه بیشتری دریافت کنند. اما اگر مردی همان حکم دادگاه اولیه را بپذیرد. و در زمان صدور حکم در زندان و یا در مرخصی باشد، با پرداخت مهریه، نیم‌عشر و هزینه دادرسی بلافاصله از زندان آزاد می‌شود. و دیگر نیازی نیست تا منتظر قطعی شدن حکم بماند.

مرحله تجدیدنظرخواهی

- مرحله تجدیدنظرخواهی برای اغلب مردانی که به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه (حتی مهریه ۱۱۰ سکه) در زندان به سر می‌برند. مرحله‌ای سخت و عذاب‌آور است. طبق قانون هریک از طرفین می‌توانند تا ۲۰ روز پس از ابلاغ حکم نسبت به آن تقاضای تجدیدنظرخواهی کنند. تقاضای تجدیدنظرخواهی هم اغلب به این شکل است. که فرد تجدیدنظر خواه با ارائه دادخواستی



رسانه حقوق: بازداشت ماموران خاطی مالیاتی در تهران

رئیس کل سازمان امور مالیاتی: مأموران خاطی مالیاتی شاغل در یکی از ادارات کل امور مالیاتی استان تهران، به اتهام دریافت مجموعاً ۵۲ میلیارد ریال رشوه بازداشت شدند.

در ارتباط با این پرونده ۲۳ نفر از مودیان مالیاتی شناسایی شدند که مجموعاً مبلغ ۵۲ میلیارد ریال به این متهمان رشوه پرداخت کرده بودند.

tn.ai/2812759

پیام حقوقی

شماره ۵

دی ماه ۱۴۰۱

پایگاه اخبار و اطلاعات حقوقی

#رسانه-حقوق

@law_press1401

رسانه حقوق: استعلام وضعیت اعتباری چک صیادی با پیامک

ذی‌نفعان چک در زمان انجام معاملات خود می‌توانند با ارسال پیامک به سرشماره ۴۰۴۰۷۰۱۷۰۱، وضعیت اعتباری چک صیادی را استعلام گرفته و سپس نسبت به پذیرش آن اقدام کنند.

پایگاه اخبار و اطلاعات حقوقی

#رسانه-حقوق

@law_press

رسانه حقوق: خاطره رئیسی از حقوقدان هم‌رمز ماندلا و نظرش درباره قانون اساسی ایران/بازخوانی روند تصویب برخی از نخستین اصول قانون اساسی در مجلس خبرگان قانون اساسی؛

در سفر به آفریقا با یکی از استادان برجسته حقوق که از دوستان نزدیک ماندلا بود آشنا شدم. مرحوم ماندلا این

فرد و برخی دیگر را مامور نوشتن قانون اساسی جدید آفریقای جنوبی کرده بود این استاد برجسته حقوق می‌گفت من و دوستانم تمامی قوانین اساسی کشورهای دنیا را مطالعه کرده‌ایم. قانون اساسی ایران مترقی‌ترین قانون دنیا است. جمهوری اسلامی در قانون اساسی خود توانست آرمان و دموکراسی را با هم جمع کند.

بازخوانی روند تصویب برخی از نخستین اصول قانون اساسی در مجلس خبرگان قانون اساسی؛

اصولی برای مردم و ایران با سفارش اسلام پایگاه اطلاع رسانی شورای نگهبان، به مناسبت ۱۲ آذر سالروز تصویب قانونی اساسی در سال ۱۳۵۸، بازخوانی از روند تصویب نخستین اصول قانون اساسی در مجلس خبرگان قانون اساسی را منتشر کرد.

<https://www.shora-gc.ir/0002Jd>

پایگاه اخبار و اطلاعات حقوقی

#رسانه-حقوق

@law_press

رسانه حقوق: لایحه برای تکریم جایگاه قضات آماده شود

معاون اول قوه قضائیه بر عزیزداشتن قاضی و ضرورت تدوین لایحه برای تکریم شأن و جایگاه قضات تاکید کرد.

حجت الاسلام و المسلمین محمد مصدق معاون اول قوه قضائیه در مراسم تکریم و معارفه رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات و دادستان انتظامی قضات گفت: دادسرای انتظامی قضات و دادگاه عالی انتظامی قضات اولاً بالذات، وظیفه صیانت از نهاد قضایی را برعهده دارند تا زمینه‌های لغزش را از بین ببرند و از قضات زحمت کش صیانت کنند و در عین حال

قضات شریف و شایسته را در برابر کارهای مهمی که انجام می‌دهند، تشویق کنند. وی با اشاره به متن حکم انتصاب رئیس قوه قضائیه از سوی مقام معظم رهبری، گفت: مقام معظم رهبری در حکم انتصاب رئیس قوه قضائیه نسبت به عزیز داشتن قاضی تأکید کرده و فرمودند احساس عزت و شرافت در قاضی سد محکمی در برابر انگیزه و عوامل نفوذ و انحرافات است، لذا اگر قاضی را عزیز بدارید همین موضوع سد محکمی است در برابر ناملایمتهایی که ممکن است در برابر قاضی قرار گیرد.

حجت الاسلام و المسلمین مصدق تأکید کرد: اقتضای پایبندی به رهنمودهای رهبری و روایت این دو سند یعنی قانون اساسی و مصوبه مجمع اقتضا می‌کرد که دست کم در طول ۴۰ سال گذشته حداقل یک الی دو قانون با محوریت همین موضوع مورد بحث تصویب شود که نشده است. بنده در این جلسه بسیار مهم از وزیر دادگستری و معاون حقوقی قوه قضائیه می‌خواهم با قید فوریت، حداکثر تا پایان سال جاری یک لایحه تنها در رابطه عزیز داشتن قضات تنظیم کنند؛ تا این لایحه با تشریفات قانونی از سوی دولت به مجلس ارسال شود.

<https://www.yjc.news/00YorX>

پایگاه اخبار و اطلاعات حقوقی

#رسانه-حقوق

@law_press

رسانه حقوق: اعضای شبکه اراذل و اوباش مرتبط با سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به دار مجازات آویخته شدند این شبکه با هدایت سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، اقدام به سرقت و تخریب

زن چه اموالی را به ارث می برد؟

نویسنده **مائده رضوی نژاد**

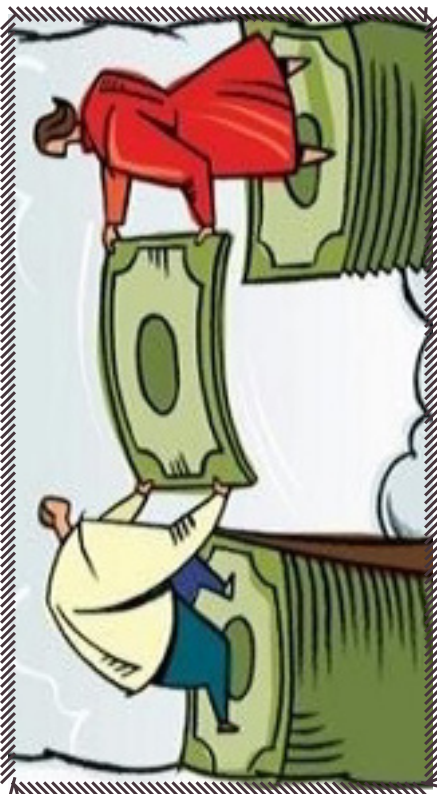
آن را در عقد شرط کند، دیگر نمی تواند (شرط توارث را در نکاح منقطع (موقت بگنجاند و اگر چنین شود شرط باطل است.

ارث بردن زن حتی در طلاق:

اگر شوهر، زن خود را به صورت رجعی مطلقه کرده و در زمان عده فوت کند، زن از اموال شوهر ارث می برد. ولی اگر فوت شوهر بعد از انقضای مدت عده بوده یا طلاق بائن باشد (طلاق که قبل از نزدیکی بوده یا طلاق زن یا نسه، طلاق خلع و مبارات) دیگر زن از مرد در صورت فوت، هیچ ارثی نمی برد.

ماده ۹۴۳ قانون مدنی این امر را ابراز داشته است.

البته در ماده ۹۴۴ همین قانون آمده که اگر شوهر در حالی که به مرضی مبتلا است زن را طلاق دهد و در ظرف یک سال از تاریخ طلاق به علت همان مرضی بمیرد، زن از او ارث می برد حتی اگر طلاق به صورت بائن باشد به شرط آنکه زن در طول این یک سال از دواج نکرده باشد.



زن به عنوان همسر متوفی مستحق یک چهارم یا یک هشتم از اموال مرد است. حال این که چه مالی را می تواند به ارث ببرد بسیار مهم است، زیرا که در مقدار سهم زن موثر است.

زوجه در صورت فرزند دار بودن زوج، یک هشتم از عین اموال منقول (مثل ماشین، موتور و...) و یک هشتم از قیمت اموال غیر منقول (مثل خانه، باغ، مغازه و ...) اعم از عرصه (زمین) و اعیان (ساختمان) ارث می برد. در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زن یک چهارم از کلیه اموال است. پس لازم است بعد از مرگ شوهر، علاوه بر اموال منقول که تقسیم می شود، اموال غیر منقول قیمت گذاری شده و یک چهارم یا یک هشتم از این قیمت به زن داده شود در مواقعی امکان دارد که ورثه دیگر متوفی از قیمت گذاری مال غیر منقول امتناع بکنند.

ماده ۹۴۸ قانون مدنی این امکان را به زن داده است که حق خود را از عین اموال استیفا کند، پس وی می تواند در مرحله اول، ورثه را از طریق دادگاه اجبار به قیمت گذاری و دریافت سهم خود کرده، در غیر این صورت و ادامه امتناع ورثه، بر اساس رویه قضایی موجود، زن می تواند سهم مشاع خود را از عین یعنی خود زمین و خانه تملک کند.

از دواج موقت بدون هیچ ارثی:

همان طور که بیان شد شرط اصلی برای ارث بردن زن از همسرش وجود زوجیت دائمی بین آنها است.

- از مفهوم ماده ۹۴۰ قانون مدنی که قید زوجیت دائمی را ذکر کرده می توان چنین فهمید که در نکاح منقطع (متععه یا صیغه) هیچ ارثی برای زن راه ندارد. حتی زن مثل مورد نفقه که می توانست

اموال شخصی و عمومی، آدم ربایی و اخذ اعترافات ساختگی از طریق شبکه اراذل و اوباش میکرد که در نهایت اعضای آن با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات دستگیر شدند.

اعضای این باند، با هدایت افسران اطلاعاتی رژیم صهیونیستی با تهیه سلاح جنگی اقدام به آدم ربایی کرده و دستمزد خود را بصورت ارز دیجیتال دریافت می کردند.

بر اساس رای نهایی صادره از سوی دیوان عالی کشور، متهمان ردیف اول تا چهارم پرونده، به نام های حسین اردوخانزاده، شاهین ایمانی محمود آباد، میلاد اشرفی آبتاتان و منوچهر شهبندی بجندی به جرم همکاری اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی و آدم ربایی به اعدام محکوم شدند.

سه متهم دیگر، بر اساس جرایمی از جمله ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، معاونت در آدم ربایی و نگهداری سلاح به ۵ تا ۱۰ سال حبس محکوم شدند بر همین اساس صبح امروز، احکام ۴ نفر از اعضای اصلی باند اراذل و اوباش مرتبط با سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی اجرا شد. / تسنیم

پایگاه اخبار و اطلاعات حقوقی

رسانه - حقوق

@law_press



دانستی های حقوقی

نویسنده **مأده رضوی نژاد و فاطمه رضایی**

آیا می دانید؟

افرادی که خود را صاحب حق می دانند اما توان و تمکن مالی برای پرداخت هزینه دادرسی را ندارند می توانند درخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی نمایند.

آیا می دانید؟

اگر شخص بتواند اعسار خود را در دادگاه ثابت نماید می تواند از تمام یا قسمتی از هزینه های دادرسی معاف شده و از وکیل مجانی استفاده نماید.

آیا می دانید؟

اگر پس از صدور حکم اعسار معلوم شود که مدعی اعسار به دروغ خود را معسر اعلام کرده است به مجازات حبس محکوم خواهد شد.

آیا می دانید؟

اگر پس از صدور حکم اعسار معلوم شود شهود به دروغ به نفع معسر شهادت داده اند شهود نیز به حبس محکوم می شوند.

آیا می دانید؟

برابر قانون آزار و اذیت زنی که باردار است و چنانچه موجب سقط جنین شود جرم است.

آیا می دانید؟

قانونگذار کسانی که زن حامله را به سقط جنین راهنمایی می کنند چه پزشک باشد و چه فرد عادی، قابل تعقیب و مجازات می داند.

آیا می دانید؟

چنانچه پزشک غیر از موارد مجاز از نظر قانونی، اقدام به سقط جنین کند به مجازات حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم، و ملزم به پرداخت دیه جنین خواهد شد.

آیا می دانید؟

درخواست صدور مجوز سقط جنین فقط هنگامی پذیرفته می شود که جهت درمان بوده و قبل از ۴ ماهگی جنین به درخواست زوجین و با معرفی نامه پزشک نتایج آزمایشات پزشکی به اداره کل پزشکی قانونی استان تقدیم می شود.

آیا می دانید؟

اگر مادر در غیر از موارد قانونی جنین خود را سقط کند باید دیه آن را بپردازد.

آیا می دانید؟

در امور مدنی خواهان و خوانده در هر مرحله از دادرسی می توانند دعوی خود را از راه سازش خاتمه دهند ولیکن این سازش باید در دفتر اسناد رسمی و یاد دادگاه تنظیم شود. اگر پدر از اجازه دادن مضایقه نماید یا به ایشان دسترسی نباشد می توان از طریق مراجعه به دادگاه از دادگاه اجازه نکاح گرفت.

آیا می دانید؟

خواستگاری و نامزدی ایجاد رابطه زوجیت نمی کند و طرفین را نمی توان به صرف خواستگاری و نامزدی اجبار به ازدواج نمود.

آیا می دانید؟

برای امتناع از ازدواج نمی توان مطالبه هیچ گونه خسارتی را نمود.

آیا می دانید؟

تنها هدایای دوران نامزدی قابل استرداد است.

آیا می دانید؟

ازدواج با دختر باکره موقوف به اجازه پدری است.

آیا می دانید؟

اگر پدر از اجازه دادن مضایقه نماید یا به ایشان دسترسی نباشد می توان از طریق مراجعه به دادگاه از دادگاه اجازه نکاح گرفت.

آیا می دانید؟

عقد کردن زنی که در عده طلاق یا عده وفات است سبب بطلان نکاح و حرمت ابدی بین ایشان است.

آیا می دانید؟

زنا با زن شوهردار یا زنی که در عده رجعیه قرار دارد موجب حرمت ابدی است.

آیا می دانید؟

ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی موکول به اجازه از سوی دولت است.

آیا می دانید؟

در ازدواج موقت زن حق نفقه ندارد مگر اینکه در آن شرط شده باشد.

آیا می دانید؟

در نکاح موقت عدم مهر موجب بطلان عقد است.

آیا می دانید؟

چنانچه یکی از نامزدها، فوت کنند و وصلت به هم بخورد و هدایا عیناً موجود نباشد طرف مقابل وظیفه ای از بابت برگرداندن بهای هدایا به خانواده متوفی نخواهد داشت.

آیا می دانید؟

عوامل تولید، تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری مستهجن حسب مورد به مجازات مفسد فی الارض، حبس، شلاق، جزای نقدی، ضبط تجهیزات مربوطه و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم می گردند؟

آیا می دانید؟

نگهداری نوار، دیسکت و لوح های فشرده مستهجن و مبتذل جرم بوده و دارنده به مجازات جزای نقدی و ضبط تجهیزات مربوطه محکوم می گردد؟

آیا می دانید؟

عامل انتشار آثار مستهجن و مبتذل از

آیا می‌دانید؟

زمان تجدیدنظرخواهی نسبت به آراء محاکم بدوی برای اشخاص مقیم ایران فقط بیست روز از زمان ابلاغ رأی با انقضای مدت و اخواهی است.

آیا می‌دانید؟

ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر، مسموع نیست.

آیا می‌دانید؟

به دادخواست‌های ناقص در دادگاه تجدید نظر رسیدگی نخواهد شد.

آیا می‌دانید؟

مرجع تجدیدنظر فقط به آنچه که مورد تجدیدنظرخواهی است و در مرحله نخستین مورد حکم قرار گرفته، رسیدگی می‌نماید.

آیا می‌دانید؟

برای شکایت از تصمیمات و دستورات مقامات دولتی و شهرداری‌ها، باید به دیوان عدالت اداری مراجعه کنید؟

آیا می‌دانید؟

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح مراجعه نماید؟

آیا می‌دانید؟

در صورت مفقود نمودن چک باید فوراً موضوع را ابتدا به بانک مربوط و سپس به دادسرای عمومی و انقلاب اطلاع دهید؟

آیا می‌دانید؟

در صورت مفقود شدن اسناد و مدارک بدون مراجعه به مراجع قضایی می‌توانید به سازمان‌ها و ادارات مربوط مراجعه کنید؟

طریق سایت‌های کامپیوتری و بلوتوث به مجازات شلاق (۳۰ تا ۷۴ ضربه) و جزای نقدی (۱۰ تا ۵۰ میلیون ریال) و محرومیت از حقوق اجتماعی (۲ تا ۵ سال) محکوم می‌گردند؟

آیا می‌دانید؟

برای ارسال و ابلاغ اظهار نامه می‌توانید به دفاتر مشخص در دادگستری یا ادارات ثبت اسناد مراجعه کنید؟

آیا می‌دانید؟

هر کس می‌تواند قبل از طرح دعوا در مراجع قضایی حق خود را با ارسال اظهار نامه از دیگری مطالبه کند؟

آیا می‌دانید؟

در صورت عدم طرح دعوا در مراجع قضایی می‌توانید برای برابر با اصل نمودن مدارک و اسناد به ادارات ثبت اسناد و دفاتر اسناد رسمی مراجعه کنید؟

آیا میدانید؟! آیا میدانید!؟



اهمیت آشنایی با زبان بدن برای حقوقدانان

نویسنده **حجت بنی اسدی**

آشنایی با زبان بدن، از دو منظر اهمیت دارد. اول اینکه بیش از نیمی از منظور شما از طریق ارتباطات غیرکلامی به دیگران منتقل می شود. اگر حتی به درستی از الفاظ استفاده کنید و لحن خوبی داشته باشید، بازهم نیمی از راه مانده است. ضمن اینکه باید به خاطر داشته باشید، احتمال اینکه شما از مرحله ارتباطات کلامی امتیاز کامل بگیرید، کم است. حتماً نواقصی هم در این حوزه مشاهده می شود. گاه دایره واژگانتان کم است و گاه هم لحن مناسبی برای ادای کلمات مورد استفاده قرار نمی گیرد. شما به عنوان وکیل، قاضی یا به طور کلی حقوقدان، ناگزیر از استفاده صحیح از ارتباطات غیرکلامی خواهید بود. اهمیت ارتباطات کلامی بر بسیاری از حقوقدانان روشن است و صرفاً به ارتباطات غیرکلامی اشاره خواهد شد. برای اینکه شما به یک حقوقدان سه بعدی تبدیل شوید، باید زبان بدنی متناسب با منظور خود داشته باشید.

در چند دقیقه اول یک مصاحبه شغلی، زبان بدن شما است که سخن می گوید، چرا که از کوزه همان برون تراود که در اوست.

زبان بدن در متن زندگی ما قرار دارد، از ارتباطات روزانه ی ساده تا مذاکرات پیشرفته زبان بدن نتایجی که ما به دست می آوریم را تحت تاثیر قرار می دهد.

آغاز پیدایش

بازیگران سینمای صامت و پانتومیم مثل چارلی چاپلین، آغاز کننده مهارت های مربوط به زبان بدن بودند. مهارت او در بازیگری بر اساس میزان توانایی هایش در استفاده از حرکات و نشانه های بدن برای انتقال مفاهیم فیلم به تماشاچیان سنجیده می شد.

در حوزه های مطالعاتی مربوط به زبان بدن موثر ترین کتاب، کتاب چارلز داروین با عنوان "بیان عواطف در انسان و حیوان" می باشد که در سال ۱۸۷۲ منشر شد. از آن پس بسیاری از ایده ها و مشاهدات داروین توسط پژوهشگران سراسر جهان مورد تأیید قرار گرفت. آلبرت محراییان، پژوهشگر پیشتاز زبان بدن در دهه ۱۹۵۰ دریافت که کل تاثیر یک پیام حدوداً ۷ درصد کلامی و ۳۸ درصد آوایی و ۵۵ درصد غیر کلامی است.

سه قانون مهم در درک زبان بدن

آنچه که شما از افراد مختلف در وضعیت های متفاوت می شنوید و یا می بینید لزوماً نگرش واقعی و حقیقی افراد را نشان نمی دهد. شما باید از این سه قانون زیر برای اظهار نظر درست پیروی کنید:

قانون اول: مجموعه حرکات را با هم در نظر بگیرید

یکی از متداول ترین اشتباهات خواندن زبان بدن این است که یک حرکت را جدا از سایر حرکات یا شرایط تعبیر کنید. مثلاً خاراندن سر معانی متفاوتی مانند عرق ریختن، عدم اطمینان، شوره موی سر، کک، فراموشکاری و دروغگویی دارد و فهمیدن اینکه کدام معنی در مورد کدام فرد صدق می کند بسته به سایر حرکات همزمان فرد دارد. زبان بدن مانند هر زبان دیگری دارای واژه، جمله و نقطه گذاری است. هر حرکت مثل یک واژه تنهاست و هر واژه معانی متفاوت و متعددی دارد. مثلاً در زبان انگلیسی واژه "dressing" ده معنی متفاوت دارد که شامل لباس پوشیدن، چاشنی غذا، مایه داخل شکم مرغ، مرهم زخم، کود و مهتری اسب است.

فقط هنگامی که یک واژه را با واژه دیگر در یک جمله قرار می دهید می توانید معنای آن را به طور کامل درک کنید. مجموعه حرکات و ژست های مادر قالب یک جمله قرار می گیرند و نگرش واقعی شخص را لو می دهند. یک مجموعه زبان بدن درست مثل یک جمله باید حداقل سه واژه داشته باشد تا دقیقاً بتوان معنی هر واژه را تعبیر کرد. شخص شهودی کسی است که می تواند جملات زبان بدن را بخواند و آنها را با رفتار فرد مطابقت دهد. یک تعبیر سر خاراندن می تواند عدم اطمینان باشد اما می تواند نشانه شوره سر هم باشد.

پس همیشه برای خواندن دقیق زبان بدن دیگران دنبال مجموعه های حرکات باشید. هر یک از ما یک یا دو حرکت تکراری داریم که در مذاکرات روزانه فاش می کند که ما کسل شده ایم یا زیر فشار هستیم. لمس مداوم موها و چرخاندن آنها بین انگشتان دست یکی از این حرکات است. آدم ها به این علت به موی سرشان دست می کشند که در زمان کودکی مادرشان آنها را به این صورت تسلی می داد پس می توان از این حرکت این طور برداشت کرد که فرد احساس اضطراب یا عدم اطمینان می کند.

قانون دوم: دنبال هم خوانی بگردید تحقیقات نشان می دهد که تاثیر نشانه های غیر کلامی تقریباً پنج برابر کلام است. اگر به عنوان یک سخنران از شنونده ای که تصویرش را در صفحه قبل دیدید در مورد عقیده اش درباره سخنان شما بپرسید او می گفت که با شما مخالف است نشانه های زبان بدنش با جملات شفاهی اش تطابق دارد. اما اگر او می گفت با حرف شما موافق است دروغ می گفت زیرا کلمات

مقایسه ای بین قانون مالک و مستاجر مصوب سال ۵۶ و ۷۶

مأده رضوی نژاد

نویسنده

۱. برابر قانون سال ۵۶ لازم نیست در رابطه استیجاری، انعقاد قرارداد کتبی عادی یا رسمی بوجود آمده باشد و صرف وجود رابطه استیجاری یا تصرف متصرف ناشی از تراضی موجر بعنوان اجاره یا سایر عناوین برای مشمول قانون شدن کافی است، حتی اگر شفاهی هم باشد (ماده ۱) ولی در قانون سال ۷۶ جهت مشمول قانون بر رابطه استیجاری مکتوب شدن قرارداد بصورت سند عادی یا رسمی با شرایط مقرر در قانون الزامی است در غیر اینصورت اجاره مشمول قانون سال ۷۶ نخواهد بود (ماده ۱)

۲. در قانون سال ۵۶ هر چند در ماده ۱ پیش بینی شده که در هر محلی که برای سکنی یا کسب و پیشه و تجارت یا بمنظور دیگری اجاره داده شده یا بشود مشمول قانون است ولی با توجه به تصویب قوانین در سال ۶۲ (محل های مسکونی) و مصوبات و دستورالعملهائی در مورد اماکن خاص و غیرتجاری، عملا ممکن مشمول قانون سال ۵۶ به محل های تجاری محدود شده است.

۳. در قانون سال ۷۶ کلیه اماکن مسکونی، تجاری، محل کسب و پیشه، آموزشی، خوابگاه های دانشجویی و ساختمان های دولتی و نظایر آن مشمول قانون می باشد. (ماده ۱)

۴. ق.م.م ۵۶ شامل اماکنی که قبل از تصویب قانون به اجاره داده شده را هم در بر می گیرد (ماده ۱) و ق.م.م سال ۷۶ صرفا اماکن و اجاره هائی که بعد از تاریخ لازم الاجراء شدن قانون ۷۶ منعقد و روابط استیجاری ابتدائا شروع میگردد را شامل میگردد. (ماده ۱۹)

۵. اماکن مشمول قانون سال ۵۶ صرفا تابع مقررات همان قانون است (قسمت اخیر ماده ۱) اماکن و موارد مشمول قانون سال ۷۶ علاوه بر مقررات همان قانون تابع مقررات قانون مدنی و بعلاوه شروط مقرر بین طرفین نیز خواهد بود.

۶. قانون سال ۵۶ دایره شمولش نقاط و شهرها و بخش هائی مشخص در سراسر کشور بود (شهرها و محل هائی که در ماده ۳۱ همان قانون تصریح شده) و در سایر نقاط مقررات عمومی حاکم خواهد بود (ماده ۳۱ قانون) در قانون سال ۷۶ دایره شمولش محدودیت ها و استثنائاتی به لحاظ مکانی وجود ندارد و در سراسر کشور مجری خواهد بود.

۷. قانون م.م سال ۵۶ در مورد شکل و حتی نوع قرارداد و عنوان عقد و تعداد نسخ و امضاء متعاملین و یا وجود شهود الزامی وجود ندارد ولی در قانون م.م سال ۷۶ شکل و نحوه نگارش در قراردادهای عادی الزامات تجویز و می بایستی قرارداد در نسخه بامضاء طرفین (موجر و مستاجر) برسد علاوه بر آنها ۲ نفر معتمد طرفین هم قرارداد را باید گواهی و امضاء نمایند (ماده ۲) عدم رعایت موارد شکلی مذکور قرارداد را از شمول قانون سال ۷۶ خارج می کند. (بند ۵ ماده ۲ آئین نامه قانون ۷۶)

۸. در قانون م.م بصرف انقضای مدت موجر حق تخلیه را نداشته بلکه تخلیه محل از ید مستاجر تابع تحقق شرایطی خاص بشرح ماده ۱۴ و ۱۵ قانون می باشد.

۹. در ق.م.م سال ۷۶ بمحض انقضای مدت صرفا به تقاضای موجر، مورد اجاره تخلیه می گردد (با شرایطی متفاوت در قراردادهای عادی و رسمی) بشرح مفید در ماده ۳ (ق.م.م) (البته ضمن عقد اجاره یا بعد از آن این حق از طرف دارنده حق قابل اسقاط است)

۱۰. در ق.م.م سال ۵۶ امکان اعمال تخلیه برای موجر پس از ایجاد حق درخواست لازمه تقدیم دادخواست و رسیدگی قضائی و دادرسی به معنای خاص کلمه می باشد.

۱۱. در ق.م.م سال ۷۶ تخلیه صرفا با درخواست و تقاضای موجر در اسناد عادی طبق فرم مخصوص و در اسناد رسمی از طریق دفتر خانه و بدون نیاز به دادرسی بمعنای خاص کلمه محقق می شود و این حق را باید بزرگترین ویژگی و امتیاز خاص و بی نظیر قانون جدید برای موجر دانست. (ماده ۲ ق و ماده ۹ و ۱۰ آئین نامه قانون ۷۶)

و حرکاتش باهم مطابقت نداشتند.

وقتی صحبت شخص و زبان بدن او در تضاد هستند زبان بدن کلامش را نادیده می گیرد.

اگر ببینید سیاستمداری برای شما سخنرانی می کند و به شما می گوید که نظرات جوانان را با آغوش باز می پذیرد در حالیکه دست به سینه ایستاده و چانه اش پایین است. آیا حرفش را باور می کنید؟ حالا اگر در حالیکه ضربات کوتاه و تندی روی میز می زند سعی کند متقاعدتان کند که فرد دلسوزی ست چطور؟ زمانی فروید گفت که یکی از مراجعانش از ازدواجش اظهار رضایت کرد در حالیکه با حلقه ازدواجش بازی می کرد آن را از انگشتش خارج می کرد دوباره به انگشت می کرد. فروید متوجه شد که او دروغ می گوید و در واقع در زندگی اش مشکل دارد.

قانون سوم: حرکات شخص را در چارچوبی که رخ می دهند بخوانید

همه حرکات باید در چارچوبی که رخ می دهند تعبیر شوند. مثلا اگر فردی در یک روز سرد برفی دست به سینه در حالیکه پاهایش را محکم روی هم انداخته و چانه اش هم رو به پایین است به احتمال قوی به این معناست که سردش شده و معنای واکنش دافعی نمی دهد. اما اگر همان شخص با همان حالات سر میز فروش روبروی شما نشسته باشد به درستی می توان حرکت او را به این معنا دانست که نسبت به پیشنهاد شما احساس منفی دارد.

